

بریتیش پترولیوم هم خسارت گرفت

* جمهوری اسلامی به بریتیش پترولیوم ۱۲۰ میلیون پوند خسارت پرداخت کرد

* انحصار نفتی بریتیش پترولیوم غارتگر اصلی منابع نفتی ایران بوده است

هلندی از سوی جمهوری اسلامی در چهار ماهه اکتبر ۱۹۸۵ تا پایان ژانویه ۱۹۸۶ بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار گردیده است.

گرامتهای پرداخت شده به کمیتهای عضو کنسرسیوم، به صورت تحویل نفت خام بوده است. بریتیش پترولیوم در ماههای آخر ۱۹۸۵ روزانه حداقل ۱۰۰ هزار بشکه نفت بقیه در صفحه ۲

بنا به گزارش هفته نامه "میدل ایست اکونومیک دایجست" جمهوری اسلامی مبلغ ۱۲۰ میلیون پوند بابت خسارت کمیتهای انگلیسی نفتی بریتیش پترولیوم در جریان انقلاب به این کمیتهای پرداخت کرده است. با پرداخت این مبلغ به بریتیش پترولیوم جمع گرامتهای پرداخت شده به کمیتهای نفتی آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و



دوشنبه ۵ خرداد ۱۳۶۵ برابر ۲۶ مه ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال سال سوم شماره ۱۰۸

سفر معاون نخست وزیر به پاریس:

مناسبات دولت فرانسه و جمهوری اسلامی تحکیم می یابد

بارقیهای انگلیسی، ژاپنی، آلمانی و ایتالیایی چیران نماید. ایران طعمه ای است که امپریالیسم فرانسه اکنون به خود انتقاد می کند که در نصیب بردن از آن غفلت ورزیده است. ژاک شیراک بلافاصله پس از این که زمام امور را در فرانسه به دست گرفت، شروع به برداشتن کام های عملی برای چیران عقب ماندگی چند ساله نمود و در این زمینه تعجیل ویژه ای به خرج داد. او سریعاً قائم مقام وزیر امور خارجه فرانسه را به تهران اعزام کرد و به توسط او پیام صمیمانه ای برای موسوی فرستاد. میتران نیز به توسط این هیات برای خاتمه ای پیام مردت آمیزی ارسال داشت. در مذاکرات این هیات با مقامات تهران، آن چنان که از مصاحبه ها و نوشته های طرفین پرمی آید، سه شرط جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۹

علیرضا معیری معاون نخست وزیر روز جمعه ۲ خرداد از پاریس به تهران بازگشت. وی در طول اقامت سه روزه خود در پاریس مذاکرات مهمی با میتران رئیس جمهور و ژاک شیراک، نخست وزیر فرانسه داشت.

سفر معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی به فرانسه به دنبال تلاش های متقابل برای بهبود روابط و دولت ایران و فرانسه صورت می گیرد که بعد از به قدرت رسیدن راستگرایان در انتخابات مارس ۸۶ فرانسه، وارد مرحله تازه ای گشته است. شیراک بعد از استقرار در سمت نخست وزیری یکی از برنامه های دولت خود را بهبود مناسبات با رژیم جمهوری اسلامی قرار داد. شیراک کوشید به سرعت در این راستا حرکت کند تا بتواند عقب ماندگی فرانسه را در بهره گیری اقتصادی و سیاسی از تهران، در مقایسه

جوانان ۴ قاره جهان خواهان قطع جنگ ایران و عراق شدند

به نمایندگی از جوانان کشور خود سیاستهای سرکوبگرانه و جنگ افروزان هر دو رژیم حاکم بر ایران و عراق را محکوم کردند. در زیر متن کامل این بیانیه را می خوانید.

* * *

ورژیمهای ارتجاعی منطقه است. ما ادامه این جنگ را محکوم کرده و این جنگ را جنگی تجاوزکارانه از جانب هر دو کشور می شناسیم که صلح و رفاه منطقه و سراسر جهان را به خطر افکنده است.

این جنگ بی معنی بر علیه منافع هر دو خلق برادر بوده و چیزی جز مرگ برای جوانان و نابودی ویرانی برای دو کشور به ارمغان نمی آورد. بقیه در صفحه ۲

از سوی ۲۹ سازمان و نهاد جوانان ۴ قاره دنیا، بیانیه ای درباره قطع فوری و بلادرنگ جنگ ایران و عراق انتشار یافت. ۲۹ سازمان، اتحادیه و فدراسیون جوانان

ما سازمان های شرکت کننده در پنجمین فستیوال جوانان که از سوی "جوانان سوسیالیست کارگری آلمان فدرال" و "سازمان دانشجویان، مارکسیست آلمان فدرال"

در روزهای ۱۵ تا ۱۷ ماه مه ۱۹۸۶ برگزار شد، جنگ ایران و عراق را که از جانب رژیم دیکتاتوری عراق آغاز گردید محکوم می کنیم. ما اعتقاد داریم که این جنگ تنها در خدمت منافع امپریالیسم، صهیونیسم

جوانان ایران و عراق قطع فوری جنگ را خواستارند

در صفحه ۳

در این شماره

گفتگو با "تکا کوتا ناته ماتسو"

دبیر فدراسیون زنان زاین

در صفحه ۱۰

وقتی توبهای اثریسی

برای خمینی به صد آدرمی آیند

در صفحه ۲

در پشت پرده خیلی خبرهاست

در صفحه ۱۶

افول دیکتاتورها؟

در صفحه ۱۴

نگاهی بر بحران اوپک

کشورهای عضو اوپک (به ویژه آن دسته از کشورهایی که از ذخایر ارزی مناسبی برخوردار نیستند) را دچار دشواری ها و تضییقات جدی ساخته است. برپایه برآوردهای مالی رسمی، میزان خسارات مالی کشورهای عضو اوپک در سال جاری میلادی، از ۵۰ میلیارد دلار نیز فزون تر خواهد بود.

اوپک از همان بدو تاسیس و به ویژه پس از گسترش دامنه آن، چون به مقابله یک عامل محدود کننده سود انحصارات و کارتل های نفتی عمل کرده است، همواره با دشمنی دولت ها و انحصارات نفتی امپریالیستی روبرو بوده است. در بقیه در صفحه ۱۲

اجلاس ۷۷ سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) بی آن که به توافق معین و موثری دست یافته باشد، در تاریخ اول اردیبهشت ماه به کار خود رسماً پایان داد. ناتوانی اجلاس اخیر در یافتن راه بیرون رفت از بحران، باعث گردید بهای نفت باز هم کاهش یابد. شکست اجلاس بهای اخیر اوپک بر بستر کاهش مداوم قیمت نفت، این سازمان را با چنان بحرانی مواجه ساخته که از بدو تاسیس آن تا به امروز سابقه نداشته است. همان گونه که در اکثریت شماره ۱۰۴، تصریح شد، فشار بحران ناشی از کاهش فاحش قیمت نفت، به حدی است که اقتصاد

بمناسبت ۱۱ خرداد (اول زوئن) روز جهانی کودک

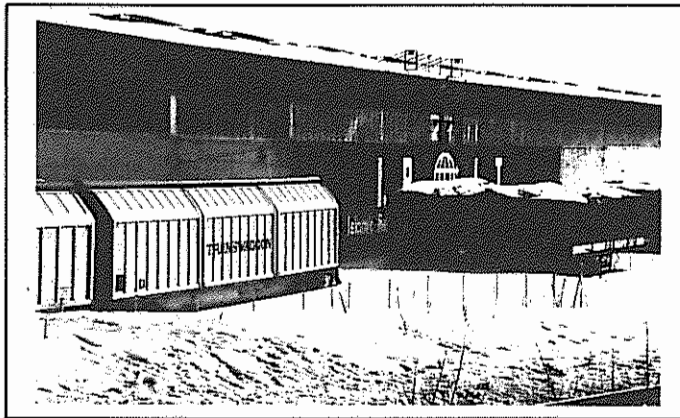
۲۷ سال پیش به ابتکار "فدراسیون بین المللی زنان" و "اتحادیه بین المللی جوانان" روز اول زوئن (۱۱ خرداد) روز بین المللی کودک نامگذاری شد. این روز، روز هم گامی و هم رزمی در راه بهبود شرایط زندگی کودکان جهان و تلاش برای ایجاد فضایی عاری از دلهره جنگ و ناامین یک زندگی فارغ از کابوس فقر و گرسنگی، جهل و ناپسمانی برای کودکان است. روز اول زوئن روز کودک در کشورهای سوسیالیستی جشن گل هایی است که آفتاب صلح، آزادی و عدالت بقیه در صفحه ۵

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

وقتی توپهای اتریشی برای خمینی به صادرات می آیند

*** توپهای شرکت اسلحه سازی "فوست" اتریش به ایران صادر می شود.**
*** کاردار جمهوری اسلامی به وجود توپهای "فوست" در ایران اعتراف کرد.**

سلاحی به عراق نمی دهد. منبع مالی عربستان سعودی. منابع تسلیحاتی، اتریش و فرانسه"
در گزارشهای مطبوعات اتریشی، درباره حجم معاملات رژیم خمینی با انحصارات تسلیحاتی اتریش اطلاع مشخص درج شده است.



مرکز حمل و نقل تجاری وابسته به جمهوری اسلامی در نزدیکی شهر کرآتس اتریش

است. در این گزارش آمده است که باوشی کاردار رژیم خمینی در وین، برای نخستین بار به وجود توپهای شرکت "فوست" در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اعتراف کرده، اما مدعی شده است که همه این توپها را "رزمندگان اسلام" از "یعنی های کافر" به غنیمت گرفته اند، که آنها هم از اردن گرفته اند، اردن هم در سال ۱۹۸۱ بطور قانونی توپها را از شرکت فوست خریداری کرده است! یکی از نکاتی که ظن شدید به تحویل مستقیم و بلاواسطه اسلحه از سوی شرکت فوست به رژیم خمینی را تقویت می کند، این است که مقر این شرکت درست در ۱۰ کیلومتری انبار

اخیرا تسویه حسابها و اختلافات معینی میان احزاب و جناح های سیاسی در اتریش باعث شد تا پرده از گوشه ای از معاملات تسلیحاتی رژیم خمینی با انحصارات اسلحه سازی غرب برداشته شود. با آنکه دولت اتریش کوشش زیادی برای لایوشانی کردن ماجرا به عمل آورد، و اقیانوس چندی درباره فروش توپهای "ک-ها-ان-۴۵" شرکت اسلحه سازی "فوست" در مطبوعات اتریش منتشر شده است. البته تحت فشار محافل حاکم، تحقیقات دادستانی شهر لینتس پیرامون این موضوع متوقف گردید. اما آنچه باقی مانده، نکات افشاشده ای درباره منابع تامین اسلحه جمهوری اسلامی، ارتباط عوامل رژیم با باندهای قاچاقچی و گانگسترها و کمک ضمنی دولت اتریش به معاملات تسلیحاتی رژیم خمینی است.

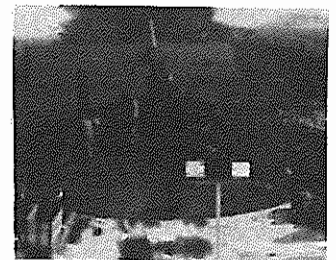
بعنوان نمونه، نشریه "وخن پرسه" در یکی از شماره های اخیر خود گزارشی پیرامون ماجرای فروش اسلحه رژیم خمینی به جاپ رسانده

Land	Begründung für Bedarf	log./politische Zwänge für Beschaffung
Iran	Spannungsgebiet, Gegner Irak verfügt über größere Anzahl geschützter Systeme	Bekannt Situation, eigentlich M 109 (log.)
	Spannungsgebiet, Gegner Iran (Sowjetunion liefert nicht) Saudi Arabien, finanziert	eigentlich M 109, Sowj. Systeme. Großmächte liefern nicht. Guterdreich, Frankreich unterstützen jetzt im Krieg.

احتمالا مرکز ایجاد دقیق معاملات جمهوری اسلامی با اتریش که یکی از تامین کنندگان اصلی اسلحه جنگ خانمانسوز ایران و عراق است، روشن نخواهد شد. اما ماجرای اخیر، که دولت اتریش نهایت تلاش خود را برای بی سروصدا برگزار کردن آن بکار گرفت، و اقیانوس را دربارہ نیات واقعی دولتهای غربی (حتی "دمکرات ماب" و "بی طرف ترین آنها) در جنگ ایران و عراق بر ملا ساخت، نیاتی که در نهایت جز متوجه حفظ منافع انحصارات، و از جمله انحصارات تسلیحاتی، این سوداگران مرگ، نیست، حتی اگر این امر به قیمت جان صدها هزار انسان در جبهه جنگی بچ و بی فرجام باشد.

در سندی که کلیشه آن را آورده ایم، فهرستی از طرفهای معامله این شرکت، علت نیاز آنها به اسلحه و حامیان آنها درج گردیده است. در برابر نام "ایران" آمده است، "علت نیاز، منطقه تشنج، دشمن (عراق) شمار زیادی سیستم های حفاظت شده در اختیار دارد." در برابر نام عراق، که ظاهرا شرکت فوست به آن هم اسلحه می فروشد، چنین آمده است، "اتحاد شوروی چنین

مرکزی شرکت حمل و نقل وابسته به جمهوری اسلامی قرار دارد. این انبار محل بارگیری کلیه محمولات از اروپا به مقصد ایران است و به گزارش مطبوعات غرب، محموله های اسلحه نیز اغلب از همین محل ارسال می گردد. مدارک انتشار یافته توسط مفتی نامه "وخن پرسه" چاپ اتریش نشان می دهد که فروش اسلحه به رژیم خمینی از سوی شرکت فوست انکارناپذیر است.



توپهای ک-ها-ان-۴۵ توسط شرکت فوست به رژیم خمینی تحویل می گردند.

بریتیش پترولیوم هم خسارت گرفت

بقیه از صفحه اول

است. شرح این موضوع در شماره ۹۵ نشریه "اکثریت" درج شده است. کمپانی نفتی شل اوایل سال ۱۹۸۲ از جمهوری اسلامی غرامت گرفته بود. همزمان با تحویل دادن نفت مجانی به کمپانی بریتیش پترولیوم، کمپانی فرانسوی اف-د-ب نیز ۱۷ میلیون دلار نفت خام بلاعوض نصیب برد. اکنون نوبت شرکت های آمریکایی

خام مجانی از جمهوری اسلامی تحویل گرفته است. کمپانی های فرانسوی، آمریکایی و هلندی نیز از نفت مجانی بیاد آورده نصیب فراوانی برده اند. کمپانی نفتی آمریکایی "شورون" به نوشته روزنامه هرالد تریبون ۲۱ ژانویه ۱۹۸۶، ۱۱۵ میلیون دلار از جمهوری اسلامی غرامت گرفته

انداخته بودند و کارگران مبارز نفت را به خاک و خون می کشیدند. کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد سلطه این کمپانی و دیگر انحصارات نفتی را بر نفت ایران تحکیم بخشید. بریتیش پترولیوم یکی از ارکان اصلی کنسرسیوم نفت بود که تا زمان انقلاب سود سرشاری از مهمترین منبع طبیعی کشور ما، سودی که تنها با ارقام نجومی قابل بیان است، نصیب برد. اکنون بریتیش پترولیوم از دست انقلاب ایران به جمهوری اسلامی شکایت برده و پاپت خسارت وارده بر خود بر اثر انقلاب، غرامت ستانده است.

تکزاکو، موبیل و اکسون است که از نفت مجانی بهره مند شوند. آنها اکنون در نوبت ایستاده اند که خائنین حاکم بر ایران انبارهای نفتی شان را از نفت خام مجانی پر کنند. لازم به ذکر است کمپانی بریتیش پترولیوم که بی سروصدا ۱۲۰ میلیون پوند نفت مجانی از جمهوری اسلامی تحویل گرفته است، سالهاست که نفت ما را به غارت می برد. این کمپانی پرورنده بیسارسیاه و ننگینی در ایران دارد که هیچگاه مردم ایران آنرا از یاد نخواهند برد. زمانی عوامل این کمپانی بر خوزستان جنگ

جوانان ۴ قاره جهان خواهان قطع جنگ ایران و عراق شدند

بقیه از صفحه اول

۲۸ - سازمان دانشجویان
سویالیست فنلاند
۲۹ - اتحادیه دمکراتیک
جوانان فنلاند
۳۰ - اتحادیه دانشجویان
کمونیست اتریش
۳۱ - اتحادیه جوانان دمکرات
لبنان
۳۲ - اتحادیه متحد جوانان
دمکرات کلمبیا
۳۳ - اتحادیه جوانان کمونیست
اسپانیا
۳۴ - جبهه آزادیبخش ملی
فراپوندومارتی، جبهه دمکراتیک
انقلابی
۳۵ - سازمان جوانان سودان
۳۶ - فدراسیون جوانان دمکرات
عراق
۳۷ - اتحادیه عمومی
دانشجویان در جمهوری عراق
۳۸ - سازمان جوانان فدایی خلق
ایران (اکثریت)
۳۹ - سازمان جوانان توده
ایران

۱۹ - سازمان جوانان کمونیست
دانمارک
۲۰ - اتحادیه جوانان کمونیست
اسرائیل
۲۱ - جوانان کمونیست یونان
۲۲ - اتحادیه دمکراتیک
جوانان فلسطین
۲۳ - اتحادیه دمکراتیک
جوانان کرانه غربی رود اردن و نوار
غزه
۲۴ - اینتر ستامپا - نشریه چپ
جوانان در ایتالیا
۲۵ - سازمان جوانان سوابو -
سازمان آزادیبخش آفریقای جنوب
غربی
۲۶ - جنبش جوانان کمونیست
فرانسه
۲۷ - اتحادیه مارکسیستی
دانشجویان - اسپارتاکوس - آلمان
فدرال

۸ - سازمان جوانان کمونیست
ونزوئلا
۹ - از طرف هیات اجراییه
کنگره ملی آفریقای جنوبی - و شورای
تحریریه ارگان مرکزی کنگره ملی
آفریقا
۱۰ - اتحادیه جوانان کمونیست
فلسطین
۱۱ - جوانان پیشرو ترکیه
۱۲ - اتحادیه جوانان کنگره
ملی آفریقای جنوبی
۱۳ - کلکتیو کمونیستهای
جوان اسپانیا
۱۴ - جوانان سویالیست شیلی
۱۵ - اتحادیه جوانان کمونیست
هلند
۱۶ - سازمان متحد دمکراتیک
جوانان قبرس
۱۷ - جوانان ملی زیمبابوه
۱۸ - اتحادیه جوانان کمونیست
سوئد

ما خواستار قطع فوری جنگ و
پایان دادن به سیاستهای سرکوبگرانه
هر دو رژیم دیکتاتوری بوده و برای
دستیابی به راه حلی مسالمت آمیز و
عادلانه، در خدمت منافع هر دو خلق
و مطابق با اراده آنان در راستای
ایجاد نظام مطلوب خود، مبارزه
می کنیم.
۱ - فدراسیون بین المللی
جوانان دمکرات
۲ - اتحادیه کمونیستهای جوان
مجارستان
۳ - سازمان دمکراتیک جوانان
افغانستان
۴ - سازمان جوانان ام. پ. آ.
آنگولا
۵ - سازمان جوانان موزامبیک
۶ - سازمان جوانان
سویالیست کارگری آلمان فدرال
۷ - سازمان جوانان کمونیست
پرتغال

توقف انتشار نشریه مجاهد

گسترش و افزایش نقش غارتگرانه
انحصارات فرانسوی در ایران صورت
می گیرد، ایران از چهارمی کنیم و از
اینکه رهبری سازمان مجاهدین در
موقعیتی قرار گرفته که ناگزیر شده
است ایجاد وقفه در کار انتشار منظم
ارگان این سازمان را بپذیرد،
متناقص.

نشریه مجاهد که آخرین شماره
آن در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۶۵ منتشر
گردید در پی پیروزی انقلاب بهمین
انتشار خود را آغاز کرد. در تابستان
سال ۵۹ برای اولین بار در انتشار
نشریه مجاهد وقفه ای جدی پدید آمد.
در آن زمان بدنیاال یک سخنرانی
خمینی علیه مجاهدین خلق، به تصمص
رهبری این سازمان نشریه مجاهد تعطیل
گردید. توقف انتشار مجاهد تا چند
ماه ادامه یافت. در پائیز همین سال
انتشار آن از سر گرفته شد. پس از بروز
رویدادهای تلخ و خونین ۳۰ خرداد
۱۳۶۰ نشریه مجاهد بار دیگر از انتشار
بازماند و از آن پس رهبری سازمان
مجاهدین نتوانست امکان انتشار و
توزیع آن را در داخل کشور فراهم
سازد. پس از استقرار رهبری این
سازمان در فرانسه، نشریه مجاهد
انتشار خود را این بار در خارج
از کشور آغاز کرد که تا شماره ۲۸۹
ادامه یافت.

اطلاعهای که در تاریخ ۲۱
اردیبهشت ۱۳۶۵ از سوی سازمان
مجاهدین خلق ایران و نشریه مجاهد
منتشر گردید حاکی است که این
نشریه "تا اطلاع ثانوی" منتشر
نخواهد شد. در این اطلاعیه علت
اصلی این امر توضیح داده نشد و
انتشار "مشروح دلایل و مستندات
مربوطه" به "فرصت مناسب" موکول
گردید. با وجود این در همین اطلاعیه
کوتاه علاوه بر "تشبثات دشمن ضد
بشری و دیگر محافل ارتجاعی و
امپریالیستی"، رویدادهای اخیر در
دهکده "اورسوراواژ" و پیامدهای آن
نیز بحثی "شبه ای از دلایل این امر"
عنوان گردید.

پیدا است که رهبری سازمان
مجاهدین توقف در انتشار نشریه
مجاهد را نه به دلخواه که بناگزیر
پذیرا شده است. این امر در زمانی
صورت می گیرد که برای رهبری این
سازمان از سوی دولت امپریالیستی
فرانسه - که میزبان آنهاست -
محدودیت های معینی فراهم شده
است. دولت فرانسه در موقعیت
کنونی این شیوه برخورد را برای
گرفتن امتیازات هر چه بیشتر از رژیم
جمهوری اسلامی موثر می داند. ما
نسبت به این دسایس امپریالیستی که
به منظور ایجاد تسهیلات در جهت

جوانان ایران و عراق قطع فوری جنگ را خواستارند

فدراسیون جوانان دمکرات عراق، اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری
عراق، سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) و سازمان جوانان توده
ایران، با انتشار بیانیه ای خواهان قطع فوری و بلادرنگ جنگ شده اند.
متن بیانیه چنین است:

جنگ بی معنی ایران و عراق
شش سال پس از شروع همچنان ادامه
دارد. این جنگ از مردم ایران و عراق
۷۰۰۰۰ کشته و ۱/۵ میلیون زخمی و
معلول گرفته و سه میلیون نفر را بی
خانمان کرده است. جوانان هر دو
کشور بیشترین صدمات مادی و معنوی
را از این جنگ دیده و می بینند. جنگ
ایران و عراق باعث خسارات مالی
هنگفتنی بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار کشته
است.

جنگ ایران و عراق با گسترش
عملیات نظامی به سراسر خلیج، تنش و
تشنج را به طور افقی گسترش داده
است. ایالات متحده آمریکا به بهانه
جنگ موفق شده است نیروی نظامی
خود را در منطقه تقویت کند. دخالت
نظامی مستقیم ایالات متحده، تهدیدی
برای استقلال ملی و آزادی همه
خلیج های منطقه محسوب می شود و در
عین حال صلح جهانی را در معرض خطر
قرار می دهد.

جنگ خلیج به منافع مردم
عراق و ایران لطمه می زند و در خدمت
ادعاهای توسعه طلبانه و برتری جویانه
ایالات متحده آمریکا و دیگر دول
امپریالیستی و صهیونیسم قرار دارد.
باید با استفاده از همه امکانات
در جهت پایان دادن فوری به این
جنگ مبارزه کرد.

فدراسیون جوانان دمکرات عراق
اتحادیه عمومی دانشجویان در
جمهوری عراق
سازمان جوانان فدائی خلق ایران
(اکثریت)
سازمان جوانان توده ایران

در ایران و عراق به بهانه
وضعیت جنگی حقوق اجتماعی
زحمتکشان پایمال شده و آزادیهای
دمکراتیک سرکوب می شوند.

تشدید جنگ در مهران و فکه

به دنبال اشغال مهران توسط ارتش عراق در روز یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه، این منطقه شاهد حدت درگیری و حملات نظامی دو طرف بوده است. نیروی هوایی جمهوری اسلامی اعلام کرد که طی هفته گذشته، در چند نوبت به مواضع ارتش عراق در منطقه مهران حمله کرده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی مدعی شد که با پیچ گسترده نیرو در دو محور شمالی و جنوبی مهران قادر شده است دو شهرک ایرانی "اسلامیه" و "رضا آباد" را از تصرف عراق خارج نماید. در ضمن جمهوری اسلامی میزان تلفات و خسارات عراق را در حمله زمینی هفته گذشته در منطقه مهران، ۲۲۰۰ تن کشته و زخمی و چند فروند هلی کوپتر تویدار اعلام نمود. این در حالی است که رژیم عراق مدعی شده است که مواضع نظامی خود را در منطقه مهران تحکیم و تثبیت نموده و حملات جمهوری اسلامی را خنثی ساخته است.

از جانب دیگر، رژیم جمهوری اسلامی روز پنجشنبه اول خرداد ماه اعلام کرد که نیروهای سپاه و ارتش در پوشش دفاع هوایی موفق شده اند نیروهای عراقی را چند صد کیلومتر مربع از منطقه فکه عقب برانند. خبر عقب راندن قوای عراق از منطقه عملیاتی فکه، در شرایطی منعکس می گردد که رژیم پیش از این خبری مبنی بر تصرف فکه توسط عراق منتشر نساخته بود و تنها به شدت درگیری طرفین در این منطقه اشاره کرده بود.

در هفته گذشته شهر آبادان مجدداً زیر فشار کلوله باران سنگین توپخانه عراق قرار داشت. خامنه ای رییس جمهوری رژیم، با اظهار این که "ما بیش از سال قبل آمادگی ضربه زدن به قلب بغداد را داریم" آمادگی رژیم جمهوری اسلامی را برای کشتار مردم در جنگ شهرها اعلام داشت.

حضور ناوشکن های آمریکا

در آبهای خلیج فارس

برخی از رسانه های بین المللی و همچنین روزنامه های دولتی جمهوری اسلامی اطلاع دادند که دو ناوشکن آمریکایی "دیوید آر. ری" و "وای ابریل" و یک ناوشکن انداز فرانسوی در آب های خلیج فارس در آمد و شد مستند. تشنج فزاینده ناشی از حملات هوایی و موشکی دور رژیم ایران و عراق به نفت کش ها و کشتی های در حال عبور در منطقه آب های خلیج فارس و همچنین سیاست توقیف و بازرسی کشتی ها از سوی جمهوری اسلامی، زمینه ساز اقدامات نظامی گرایانه آمریکا در آب های خلیج محسوب می شود.

از سوی دیگر نشریه "لویدز لیست" مورخه ۱۶ ماه مه، طی گزارشی پیرامون حملات هر دو کشور به کشتی ها و نفت کش های در حال عبور در منطقه خلیج، اعلام کرده است که "نرخ بیمه مخاطرات جنگی صاحبان کشتی در خلیج فارس از این پس ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت."

این نشریه اطلاع می دهد که تنها در سال جاری میلادی، ۴۱ مورد حمله به کشتی ها در آب های منطقه گزارش شده است.

صنایع وابسته کشور به ۷ میلیارد دلار اعتبار ارزی نیازمند است

اخیر افزایش یافته است. مسئولین وزارت خانه های صنایع و صنایع سنگین رژیم اعلام کرده اند که هرگاه ارز مورد نیاز صنایع کشور (۷ میلیارد دلار) تامین نشود، "بخش صنعت روبه رکود و توقف خواهد بود." نیاز ۷ میلیارد دلاری صنایع زمانی طرح می شود که بنا به پیش بینی اجلاس هیئت مسئولان اتاق های بازرگانی و صنایع و معادن کشور کل میزان ارز تحصیلی سال جاری رژیم، حد اکثر ۶ میلیارد دلار خواهد بود.

چند میلیون ایرانی در خارج از میهن اقامت کرده اند؟

اسلامی، طی سال ۱۳۶۴، در مقابل خروج ۸۷۷۰۷۶ مسافر ایرانی از کشور، ۸۲۲۷۵۶ نفر مراجعت کرده اند. بدین ترتیب ظرف سال گذشته، نزدیک به ۵۵۰۰۰ نفر ایرانی (یعنی روزانه ۱۵۰ نفر) تنها از راه های قانونی، کشور را ترک کرده و مراجعت نکرده اند. بر اساس همین گزارش، در سال ۶۴، در مقابل ۲۶۸۸ کامیون حامل کالاهای صادراتی غیر نفتی جمهوری اسلامی، ۲۲۵۰۴۵ کامیون حامل کالاهای وارداتی، وارد خاک میهن شده اند.

پلهشوی درونی رژیم

فورا توسط رئیس شهربانی سیرجان آن اوراق توقیف می شود.

محتشمی وزیر کشور جمهوری اسلامی علت این امر را با انتساب پخش اوراق به مخالفین موسوی توضیح داد. وی با پشتیبانی از فرماندار سیرجان گفت: "فرماندار ما با تدبیر و درایت امنیت را برقرار کردند و اجازه ندادند که هیچگونه تنشی در شهر ایجاد شود."

روزنامه کیهان روزهای ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت با درج گزارشی پیرامون وضعیت صنایع کشور، به طرح این پرسش می پردازد که، "صنایع ما امسال با کمبود ارز چه خواهند کرد؟" در این گزارشات تصریح شده است که واردات مواد اولیه و واسطه ای مورد نیاز صنایع کشور، به تخصیص ۷ میلیارد دلار ارز احتیاج دارد. طی این گزارشات اعتراف شده است که میزان وابستگی صنایع کشور به خارج، طی سال های

در پی جلسه شورای سیاسی دولت درباره وضع ایرانیان خارج از کشور که به سه وزارتخانه ارشاد، امور خارجه و اطلاعات (ساواک) و وثایفی محول شده بود، موسوی نخست وزیر رژیم طی مصاحبه ای تعداد ایرانیان خارج از کشور را ۱۰ میلیون نفر اعلام کرد. این در حالی است که بنا به گزارش های غیردولتی و از جمله برآوردهای سازمان های بین المللی، تعداد ایرانیانی که در خارج از کشور اقامت دارند، بسیار بیشتر از این رقم برآورد شده است. از سوی دیگر بنا به گزارش خیرکاری جمهوری

کیهان ۲۷- اردیبهشت، در جریان درگیری های درونی رژیم، نماینده سیرجان درباره جمع آوری اعلامیه ای از سخنان منتظری ولیعهد خینی از وزیر کشور بازخواست کرد. نماینده سیرجان مطرح کرد: "طبق چه قانونی آقای فرماندار سیرجان در روز نماز جمعه در ملا، عام دستوری دهد اوراق منتشره از طرف سازمان تبلیغات را که فقط فرمایش حضرت آیت الله منتظری را منتشر کرده بودند جمع آوری می کنند و

پینه دوز

ناچیزی به دست آورد. بیکاری نیروی فعال عظیمی رابه هرز داده است. بساطش تا آن هنگام بچاست که نیروهای کمیته و شهرداری سرزنسند.

بیکاری و فشار سنگین هزینه ها، و تلاش برای معاش خود و خانواده. سینه به سینه آفتاب نشسته است و با بساط مختصرش در انتظار مشتری است. ساعتها به کفش های عابرین خیره می ماند تا شاید حق الزحمه



کودک ایرانی در خارج از کشور و آموزش زبان فارسی

امکانات آموزش زبان مادری را بهر صورتی که ممکن است فراهم آوریم. بعنوان یک راه حل می‌توان در شهرهایی که تعداد خانواده‌های ایرانی بیشتر است در جهت تمرکز نیرو و امکانات از طریق ایجاد تشکلی از ایرانیان مقیم آن شهر و یا کشور حرکت کرد و از این طریق و بطور یکپارچه و برنامه‌ریزی شده اقداماتی را جهت فراهم آوردن امکانات دولتی و غیر دولتی در کشورهای میزبان بعمل آورد. در شهرهایی که شمار کودکان و نوجوانان ایرانی کمتر است می‌توان از طریق همیاری و تقسیم کار این وظیفه اصولی را پیش برد. راه‌ها گوناگون است اما درک اهمیت و احساس مسئولیت در این زمینه ضرورت تام دارد.

آیا قابل پذیرش است که از انجام این وظیفه بی‌خاطر وجود اختلاف نظرهای سیاسی اجتناب کرد؟

خویش به وطن باز می‌گردند. اما اگر لااقل یک پیوند بالنسبه استوار فرهنگی بین آنها با کنجینه فرهنگی میهن خویش برقرار نگشته باشد و تسلط نسبی بر خواندن و نوشتن زبان فارسی ایجاد نشده باشد، ناهنجاری‌ها و مشکلات بسیاری، بروز خواهد کرد.

اندیشیدن به چنین چشم‌اندازهایی نگرانیهای عمیقی را پدیدار می‌سازد. امروزه ایرانیانی که در خارج از کشور بسر می‌برند ضمن توجه باین مهم می‌بایست ب فکر چاره جویی اساسی باشند. در این زمینه وظیفه و مسئولیت سنگینی بر دوش والدین این کودکان نهاده شده است. هر خانواده باید به این پیاندیشد که چه خواهد شد اگر که فرزندش بهنگام بازگشت به میهن قادر نباشد یک برگ از یک نوشته فارسی را بخواند.

به سرنوشت کودکان خود صمیمانه پیاندیشیم. تلاش کنیم

فرهنگ خانواده و میهن و فرهنگ کشور میزبان سرگردانند. این امر برخی نابسامانیهای روانی و پسیچیدگیهای تربیتی را نیز در مورد این کودکان به همراه داشته است. اکنون سؤال این است که این مشکل را چگونه باید چاره کرد و این کودکان چگونه باید خواندن و نوشتن به زبان مادری، را بیاموزند؟ چگونه باید در جهت تقویت عشق و عاطفه این کودکان به میهن و فرهنگ سرزمین مادری خود حرکت کرد و چسان باید به ضرورت توانا ساختن آنان به مطالعه آثار ادبی، سیاسی و اجتماعی فارسی پاسخ گفت؟

دیری نخواهد پایید که همه ما به آغوش میهنمان باز خواهیم گشت. این خواسته یکایک ایرانیانی است که دل در هوای زاد و بوم خویش دارند. در این بازگشت هزاران کودک، نوجوان و جوان ایرانی با آموخته‌های

شمار ایرانیانی که هم اکنون در خارج از کشور بسر می‌برند بسیار بالا است و بعلت تداوم شرایط دردناک زندگی سیاسی و اجتماعی در کشورمان، این شمار رو به افزون است. یکی از مسائل و مشکلاتی که هموطنانمان در خارج از کشور رو در رو دارند، آموزش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به کودکانشان است.

ضرورت آموزش زبان کشور میزبان، تاثیر مجموعه ارتباطات اجتماعی و دوری از میهن، باعث تضعیف ارتباط با ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی می‌گردد. این امر بویژه در مورد کودکان و نوجوانانی که به تحصیل در خارج می‌پردازند و زبان فارسی و خواندن و نوشتن آنها را بخوبی فرا نگرفته‌اند بسیار برجسته است و برای کودکانی که در سنین پایین تر هستند حتی با مشکلاتی در تکلم زبان فارسی نیز همراه است. آنان بین

بمناسبت ۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک

غنچه‌های نوشکفته به گرمی آفتاب صلح، آزادی و عدالت نیاز دارند

بقیه از صفحه اول

قیچی برقی بدون حفاظ قطع شد...،
چوپان ۷ ساله‌ای برای نجات گوسفند
در آب رودخانه افتاد و غرق شد.

آموزش کودکان

آمار بی‌سوادی در میان کودکان و نوجوانان سرام آور است. بیش از ۵ میلیون نفر از آنان که به سنین تحصیلی رسیده‌اند نتوانسته‌اند به مدرسه راه یابند و بیش از ۴/۵ میلیون نفر نمی‌توانند بیش از مقطع راهنمایی به تحصیل خود ادامه دهند. سیاست‌های ارتجاعی و نظام آموزشی قرون وسطایی رژیم هر دم بر محرومیت‌ها و محدودیت‌های آموزشی کودکان ایرانی می‌افزاید. خطر بسته شدن مدرسه و اخراج و سرگردانی، به طور دائم و به ویژه دانش‌آموزان روستایی را تهدید می‌کند. رژیم تنها در یک عرصه به دانش‌آموزان توجه دارد و آن برای اعزام به جبهه‌های جنگ است. جمهوری اسلامی با استفاده از ترفندی‌های گوناگون کودکان و نوجوانان را به کام مرگ می‌فرستد. به اعتراف اکثری وزیر آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۴ بیش از ۱۰۰ هزار دانش‌آموز به جبهه‌های جنگ اعزام شدند

کار کودکان

علی‌رغم قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در سال ۱۹۶۳ که هر گونه کار برای کودکان را منعی کرده است، ماده ۱۲۹ قانون مصوب دولت کار کودکان ۱۲ تا ۱۵ ساله را به بهانه کارآموزی مجاز دانسته است. لایحه اظهار سرپرست دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو در ایران نیم میلیون کودک کارگر کمتر از ۱۲ سال وجود دارد. با توجه به این که در این آمار تعداد کودکانی که به قالی‌بافی، چوپانی و کشت و زرع همراه خانواده خود مشغولند قید نشده است، آمار واقعی به مراتب بیش از این رقم است.

سوانح حین کار نیز بیشترین قربانیان خود را از میان این کودکان و نوجوانان می‌ستاند. کفایت اخبار صفحه حوادث چند روزنامه را مرور کنیم؛ "دست کارگر نوجوان چهارده ساله‌ای به نام پروین لای دستگاه پرس ماند و قطع شد"، "یک کارگر نقاش ۱۵ ساله به نام رضاهنگام بیرون کشیدن کفش از قالب دست راستش به چک قالب کشی برخورد کرد و از میج قطع شد"، "دو دست کارگر نوجوانی زیر

کودکان به مراتب بدتر از کلاشته شده است. نگاهی به چند عرصه از آنچه در "اعلامیه حقوق کودکان" تصریح شده است. جنایات حکومت خمینی در این عرصه را به نمایش می‌گذارد.

بهداشت کودکان

سوم بی‌شماری کل‌های وجود کودکان مان را تهدید می‌کند و آن‌ها را نشکفته پزمرده و پیر می‌سازد. محیط‌های آلوده و غیر بهداشتی، فقدان پزشکی و درمانگاه و دارو، یابین بودن سطح فرهنگ بهداشتی، تغذیه ناسی از فقر و حشمتناک و کاهش سطح زندگی مردم زحمت‌کش، عدم مبارزه با بیماری‌های کودکان و... به شکل وحشتناکی از میان کودکان قربانی می‌گیرند.

در سال بیش از ۲۸۰ هزار کودک کمتر از ۵ سال به علت ابتلا به بیماری‌های عفونی می‌میرند. حتی آمار رسمی حکایت از مرگ و میر کودکان زیر یک سال به میزان ۱۰/۴ درصد دارد این رقم در روستایه ۱۲ درصد می‌رسد. در برخی نقاط برای هر ۷۰۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد.

غنچه وجودشان را شکوفا ساخته است. در کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای عقب نگاه داشته شده بزرگداشت روز جهانی کودک به معنای مبارزه هر چه گسترده‌تر در راه صلح، آزادی و علیه استثمار، فقر، جهل و عدم بهداشت است.

۹ سال پس از اعلام اول ژوئن به عنوان روز جهانی کودک "اعلامیه حقوق کودکان" در سازمان ملل متحد به تصویب رسید. در این اعلامیه تصریح شده است؛ "کودک از لحظه هستی دارای حقوقی است که جامعه موظف به شناسایی آن است و از آن جا که کودکان به علت ناتوانی جسمی و فکری قادر به دفاع از حقوق خود نیستند توجه به حقوق آن‌ها در حیطه وظایف دولتها، خانواده و سازمانهای مربوطه در سطح ملی و بین‌المللی است تا موجبات رشد جسمی، فکری، اخلاقی و روحی کودک از بدو زایش تا مین شود."

۲۶ سال پس از "اعلامیه حقوق کودکان"، نحوه برخورداری کودکان میهن‌مان از حقوق تصویب شده، خود رسواگر رژیم‌هایی است که در کشور ما حاکم بوده‌اند. در طول ۷ سال حکومت جمهوری اسلامی وضعیت اسفبار

اخباری از تبریز (۲)

اخبار دانشجویی

اوایل دی ماه یک دستورالعمل نظامی از طرف وزارت فرهنگ و آموزش عالی به دانشگاه‌های سراسر کشور و از جمله دانشگاه تبریز صادر گردید که در آن ضمن تاکید بر ضرورت عمل به شعار "دانشگاه در خدمت جنگ"، به طور مشخص دستور داده شد توان هیات علمی دانشگاه، کادر اداری آن و دانشجویان به طور همه جانبه به نیازهای جبهه تخصیص داده شود. در این بخش نامه در مورد فعالیت هیات علمی دانشگاه گفته شده که بایستی برنامه‌های تحقیقی و پژوهشی آن به جنگ و تامین نیازهای جبهه اختصاص یابد و ساعات کار اعضای آن در این زمینه جزو ساعات تدریس در دانشگاه محسوب گردد.

در دستورالعمل یاد شده برای کشاندن دانشجویان به جبهه‌ها، اجرای یک سری تصمیمات از قبیل حذف واحدها، حذف امتحانات، حذف ترم تحصیلی و غیره ابلاغ شده است. روسای دانشگاه‌ها ملزم به اجرای مفاد این بخش نامه هستند.

روز بیست و هفتم بهمن ماه، آکیپ پزشکی دانشکده پزشکی تبریز که به جبهه اعزام شده بود، در منطقه عملیاتی جنوب هدف بمباران شیمیایی هواپیماهای مهاجم قرار گرفته که در جریان آن کلیه اعضای آکیپ به سختی آسیب دیدند. دوتن از اعضای این گروه، یعنی یک "آسیستان" و یکی از انترن‌ها به علت شدت جراحات وارده، جهت مداوا به کشور سوئد اعزام شدند و بقیه اعضای آکیپ که شامل پزشک متخصص، آسیستان، انترن، پرستار و بهیار بود، در تهران در بیمارستان امام حسین بستری گشتند. ۲۰ نفر از انترن‌های عضو آکیپ پزشکی در منطقه عملیات مفقود گردیدند.

خبر این واقعه دردناک، بر نفرت و انزجار دانشگامیان علیه رژیم بیش از پیش افزوده و به ویژه اعتراض شدید انترن‌های دانشکده پزشکی را علیه مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی مبنی بر یک ماه خدمت اجباری انترن‌ها در جبهه‌های جنگ برانگیخته است.

در ایام "دهه فجر" نمایشنامه‌ای به نام "غصه ما قصه شه" در تالار وحدت دانشگاه تبریز به روی صحنه آمد. از آن جا که موضوع نمایشنامه به جنگ و تبلیغ جنگ مربوط می‌شد با عدم استقبال دانشجویان دانشگاه تبریز مواجه گردید. مجریان برنامه برای چاره‌جویی و جذب تماشاگر با نصب انطلاقیه‌های چاپی در دانشگاه‌های مختلف دانشگاه، اعلام نمودند که یلیط نمایشنامه مزبور برای دانشجویان ۵۰ درصد تخفیف داده می‌شود. اما پایین تر فند هم نتوانستند کسی را جلوی گیشه یلیط فروشی بکشاند.

در جریان برگزاری مراسم "دهه فجر" هم‌زمان با دیگر محلات تبریز، یک چادر نیز برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی و جنسی دانشجویان در جلوی درب غربی دانشگاه و روبروی دانشکده فنی نصب شده بود. از بلندگوی چادر صدای شوحه و شعار

"جنگ، جنگ" پخش می‌شد و در روی میزی که جلو چادر قرار داشت چند عدد کمپوت با یک نایلون کوچک دارو گذاشته شده بود. در تمام مدتی که این چادر برپا بود، نه کسی کمک مالی کرد و نه بر تعداد قوطی کمپوت‌ها افزوده شد.

اعتصاب انترن‌ها

روز ۱۶ دی ماه در حدود ۲۰۰ تن از انترن‌های دانشکده پزشکی جهت تحقق خواسته‌های خود مبنی بر افزایش دستمزد، کاهش ساعات کشیک در بیمارستان‌ها و پایان دادن به سیاست‌های ضد دانشجویی از طرف مسئولین دانشگاه، دست به اعتصاب زدند. آن‌ها روز ۱۹ دی با گرفتن قول مساعد از مسئولین موقت دست از اعتصاب کشیدند (گزارش این اعتصاب در نشریه "اکثریت" شماره ۱۰۰ درج شده است)

به دنبال خاتمه اعتصاب، از طرف دبیرخانه دانشکده پزشکی اطلاعیه‌ای خطاب به انترن‌ها صادر گردید که در آن ضمن اعلام اسامی ۸۰ نفر از انترن‌ها، تراسته شده بود که نامبردگان به دبیرخانه مرکزی دانشگاه مراجعه نمایند. به کسانی که پیرو اطلاعیه فوق به دبیرخانه مراجعه کردند، نامه‌هایی از سوی "شورای انضباطی دانشگاه" داده شد که طی آن به ارباب و تهدید دانشجویان اعتصابی پرداخته بودند. در نامه نوشته شده بود: "در جلسه مورخ ۶۲/۱۱/۱۷ شورای انضباطی دانشگاه حرکت انترن‌ها مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به شرایط کنونی جامعه و ایثاررزمندگان و... و طرح یک سری مسائل مادی، آن‌هم مسائلی که از طرف مسئولین قابل تحقق بوده (۱) ولی چون بدون طرح مساله با مسئولین ذی‌ربط اقدام به حرکت آشوب‌گرانه و اعمال فشار و غیره نموده‌اند، لذا این حرکت محکوم شناخته شد... و در صورت تکرار چنین اعمالی اقدامات تنبیهی شدیدتری اعمال خواهد شد."

اعتراض اسپستان‌ها

مسئولین آموزش پزشکی دانشگاه به جای توجه به مطالبات اسپستان‌ها (پزشکانی که دوره تخصصی را در بیمارستان‌های وابسته به دانشکده پزشکی می‌گذرانند)، محدودیت‌های تازه‌ای برای آنان وضع کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان از مقرر ساختن امتحانات اجباری نام برد. اسپستان‌ها معتقدند که برگزاری امتحان اجباری تاکنون سابقه نداشته و باید هر چه زودتر لغو شود. آن‌ها می‌گویند مسئولین باید در مقابل مشکلات صنفی اسپستان‌ها پاسخ‌گو باشند. اما مسئولین در پاسخ به این خواسته‌ها، دوره تعدادی از اسپستان‌ها را ۲ ماه افزایش دادند و به تهدید و ارباب‌گرومی دیگر دست زده‌اند. این امر جز به معنی کار اجباری این دسته از پزشکان نیست.

بر خلاف انتقار "شورای انضباطی دانشگاه" هیچ یک از دانشجویان اعتصابی از این تهدیدات مرعوب نشدند.

سلف سرویس دانشگاه

اوایل بهمن ماه مسئولین سلف سرویس دانشگاه بعد از یک زمینه چینی، اقدام به افزایش بهای زتون غذا کردند. آن‌ها قیمت نهار را از ۷۰ ریال به ۹۰ ریال و شام را از ۵۰ ریال به ۷۰ ریال افزایش دادند و وعده کردند که بعد از تغییر قیمت‌ها کمیت غذاها و کیفیت آن تغییر خواهد کرد.

افزایش بهای غذای سلف سرویس دانشگاه در شرایطی صورت گرفت که مسئولین سلف سرویس با بهره‌داری از "مساله غذا" به روش‌های دیگر نیز به سرکشی کردن دانشجویان مشغول هستند. از جمله این که آن‌ها در کنار توزیع "غذای بد" در سلف سرویس دانشجویی، اقدام به فروش غذای باکیفیت بهتر در غذاخوری استادان می‌کنند. قیمت غذا در این قسمت به قدری گران است که به جز معدودی از دانشجویان بقیه ناچارند برای رفع گرسنگی به خوردن "سوپ" ۴ تومانی اکتفا کنند. افزایش بهای غذای سلف سرویس که دانشجویان به همان قیمت سابق آن نیز معترض بودند، واکنش شدید و عمومی دانشجویان را موجب گردید.

آن‌ها از همان نخستین روز افزایش بهای غذا، به اشکال مختلف دست به اعتراض و مخالفت زدند. عده‌ای خوردن غذا در سلف سرویس دانشگاه را تحریم کردند و بخش وسیعی از دانشجویان برای مقابله با تصمیم مسئولین دانشگاه، به سنت سابق به جمع‌آوری امضا و طومار در محوطه جلوی سلف سرویس پرداختند. کار اعتراض و مخالفت دانشجویان حتی به مضحکه گرفتن مسئولین دانشگاه نیز کشید. یکی از دانشجویان دانشکده فنی در جریان اعتراض، یک پیاله ماست پاستوریزه را به زور به "مدیر کل امور دانشجویی دانشگاه" خورداند و حاضرین با خنده به ریش آلوده به ماست "مدیر کل" وی را همراهی کردند.

یک هفته بعد، مسئولین سلف سرویس در اثر مخالفت پی‌گیر دانشجویان از تصمیم خود عقب‌نشسته و غذا را به همان قیمت قبلی توزیع کردند.

کلاس‌های پزشکی

با وجود کمبود شدید فضای آموزشی و امکانات آموزشی از قبیل استاد، سالن تدریس و تشریح، آزمایشگاه و... مسئولین آموزش پزشکی دانشگاه تبریز در "لبیک به ندای ستاد انقلاب فرهنگی" اعلام کرده‌اند که در سال آینده، دانشکده پزشکی این دانشگاه ۲۵۰ نفر دانشجوی جدید خواهد پذیرفت و بدین ترتیب تعداد دانشجویان دانشکده پزشکی دو برابر شده و امکانات آن برای هر دانشجوی به نصف تقلیل خواهد یافت.

هم‌اکنون در درس فیزیوپاتولوژی دانشکده پزشکی حدود ۴۰۰ نفر دانشجویی که هیچ یک از آن‌ها بیش از ۵ ترم نگذرانده‌اند شرکت می‌کنند. در میان

اعتراض از ورود رئیس دانشکده نیز به داخل ساختمان ممانعت به عمل آوردند.

بیمارستانهای دانشگاه

سال گذشته با تایید هیات دولت تصمیم گرفته شد که در شش ماهه دوم سال ۶۴، از طریق ارائه خدمات ۵ بیمارستان وابسته به دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز، مبلغ ۲۵ میلیون ریال درآمد حاصل شود. این تصمیم در پی اجرای "طرح خودکفایی" در بیمارستانهای وابسته به وزارت بهداشت گرفته شد.

پنج بیمارستان مشمول "طرح خودکفایی" و تامین درآمد برای دولت عبارتند از بیمارستان خمینی (بزرگترین بیمارستان استان)، بیمارستان باپک (کلینک بیماریهای پوستی)، بیمارستان زنان، چشم و نیکوکاری و کودکان.

روشن است که مبلغ از پیش تعیین شده ۲۵ میلیون ریال از طریق افزایش نرخ ویزیت، افزایش نرخ پذیرش برای بیماران بستری، گرفتن پول به هنگام پیچیدن نسخه و انجام آزمایشات پزشکی و... قابل وصول است. تمامی مبلغ تعیین شده به این وسیله از خانواده‌ها و افراد زحمتکش شهری و روستایی که از دوروزدیک برای معالجه به بیمارستانهای یاد شده مراجعه می‌کردند، اخذ شد. هم‌اکنون نیز نه تنها بیماران را در این بیمارستانها مرکب می‌کنند بلکه تهیه دارو و انجام آزمایشات را نیز به بیرون حواله می‌دهند.

دانشگاه آزاد اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی یکی از آن دانشگاههایی است که توسط "مردم" جمهوری اسلامی تاسیس شده است. شهریه ثبت نام رشته‌های تحصیلی این دانشگاه بنا به اهمیت تجاری هر یک از رشته‌ها تعیین شده است. بالاترین میزان شهریه مربوط به رشته پزشکی است. این دانشگاه در اغلب استانها شعبه دارد و بنا به اظهار مسئولین آن بیش از ۲۰ هزار نفر دانشجوی تحت پوشش آن مشغول تحصیل هستند. و قرار است در سال آینده دانشجویان آن افزایش یابد. این دانشگاه مقررات چالشی دارد. از جمله مقررات آن این است که در موقع ثبت نام از داوطلبان تعهد می‌گیرد که اولاً در پایان دوره تحصیلات مدرکی نخواهند گرفت و ثانیاً در صورت انصراف از تحصیل پایستی هزینه کلیه ترم‌های باقی مانده را یکجا پرداخت نمایند. برخلاف این هفت خوان هیچ یک از شعبات دانشگاه امکانات آموزشی، بویژه برای رشته‌های علوم و پزشکی را ندارد.

در "دانشگاه آزاد اسلامی تبریز" سال گذشته برای دانشجویان سال اول فیزیک به علت نبودن امکانات، "واحد آزمایشگاه" نداده بودند. برای سال آینده هم تصمیم گرفته‌اند ۴ واحد آزمایشگاه فیزیک ۱ و ۲ را در تالپستان بگذارند تا بتوانند در فرصت تعطیلات تابستانی، از امکانات دانشگاه تبریز برای تدریس آن بهره‌گیرند. ادامه دارد

است که "اگر سواد نداشتید هم عیبی ندارد. ما کسی را می‌خواهیم که یک رویوش سفید بیوشد و پشت یک میز بنشیند تا صدای مردم در نیاید."

بی‌س و سامانی‌ها و تنازع بقا در میان مسئولین دانشکده پزشکی باعث می‌شود طی یک سال چندین بار مسئولیت دانشکده پزشکی و بیمارستان‌های تابعه دست به دست شود. و هر بار عنصر نالایق تر و فاسدتری جانشین می‌شود و اوضاع هر چه بی‌س و سامان‌تر می‌شود. هم‌اکنون ریاست دانشکده به دست مدائلی افتاده است که قبلاً معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده بود. وی به دنبال استعفای دکتر سلیمی خلیقی رییس سابق دانشکده توانست این مقام را به دست آورد.

چه کسی دانشجویان را تهدید کرد

به دنبال صدور بخشنامه نخست وزیری درباره کنترل "حجاب اسلامی" دانشجویان و اقدامات "خواهران مامور بازرسی و نظارت" منتصب انجمن اسلامی که بر اثر اعتراض و مقابله دختران دانشجو با شکست مفتضحانه روبرو شد درگیری بین اعضای انجمن اسلامی دانشکده پزشکی تشدید گردید. شدت اختلافات به گونه‌ای بود که عده‌ای از عناصر انجمن اسلامی که در جهاد دانشگاهی نیز نفوذ دارند، خواستار تشکیل جلسه انجمن اسلامی دانشکده بمنظور بررسی علت شکست طرح بازرسی دانشجویان شدند. در ضمن جلسه یکی از مسئولین انجمن می‌گوید که این جلسه رسمیت ندارد زیرا به منظور محاکمه انجمن تشکیل شده است. وی هم چنین انتشار دو اطلاعیه با امضای "واحد خواهران" مبنی بر تهدید دانشجویان دختر را تکذیب کرده و اظهار می‌دارد که خواهران مسئول کنترل حجاب، ارتباطی با انجمن ندارند. در پاسخ وی یکی دیگر از اعضای انجمن اسلامی می‌گوید خود ما با دستور انجمن و با شرکت افراد انجمن آن اطلاعیه‌ها را نوشتیم، حالا شما تکذیب می‌کنید؟ درگیری بالا می‌گیرد و کار به طرح نقشه برای زدن همدیگر می‌کشد.

اعتراض به شیوه امتحان در دانشکده فنی

در دانشگاه برخلاف سطح پایین آموزشی بنا به دستور رئیس دانشگاه به هنگام امتحانات، عدا سخت‌گیری می‌شود و این موجب اعتراض دانشجویان شده است.

اخیراً در پی طرح سوالات مبهم و پیچیده در امتحانات دانشکده فنی، دانشجویان یکی از کلاس‌ها به استاد مسئول امتحان مراجعه کرده و به سخت‌گیری عمدی در امتحانات اعتراض نمودند. وی در پاسخ به دانشجویان گفت که این خواست رئیس دانشکده است. لذا دانشجویان به نزد رئیس دانشکده رفته و موضوع را با وی مطرح کردند. رئیس دانشکده جز تهدید، پاسخی نداشت که بدهد. از اینرو دانشجویان تصمیم گرفتند اگر در جلسه بعدی امتحان، طرح سوالات بگونه سابق باشد، بطور دسته‌جمعی برخاسته و جلسه را ترک کنند.

این جریان طبق قرار قبلی در سر جلسه امتحان عملی شد و دانشجویان ضمن ترک جلسه به عنوان

این ۴۰۰ نفر، ۶۰ نفر از دانشجویان رشته پزشکی "دانشگاه ارومیه" نیز به علت نبودن دوره فیزیوپاتولوژی در دانشگاه این شهر، به عنوان میهمان حاضر می‌شوند. در خود دانشکده پزشکی کلاسی که بتواند این جمعیت انبوه را در خود جای دهد وجود ندارد. در نتیجه دانشجویان هر بار ناچارند به همراه استاد خود در ساختمان دانشکده پزشکی به دنبال فضای سرپوشیده‌ای بگردند. استاد در جلو و ۴۰۰ نفر دانشجوی پشت سر او در کریدرها بالا و پایین می‌شوند و از تالار دانشکده به آملی ناثر آن و بالعکس رژه می‌روند و مشکل وقتی است که استاد و گروهی دیگر، قبل از این‌ها چنبدیده و این محل‌ها را زرزو کرده باشد. انبوه جمعیت ۴۰۰ نفره که به یک لشکر می‌ماند به امید یافتن محلی برای درس به سوی دانشکده‌های دیگر دانشگاه به راه می‌افتد. ابتدا دانشکده فنی. در مسیر "راهپیمایی" عده‌ای به آن‌ها ملحق می‌شوند. در دانشکده فنی هم جا نیست. دانشکده داروسازی هم قبلاً زرزو شده است. دانشکده کشاورزی راه باید جستجو کرد و بالاخره یا جایی برای تشکیل کلاس پیدا نمی‌شود و آن روز خیال همه از شرکت در چنین کلاسی راحت می‌شود و یا اگر جایی گیر بیاید، کسانی که به موقع به "راهپیمایی" نپیوسته‌اند وقتی به محل جدید کلاس می‌رسند که درس آن روز تمام شده است.

حال اگر تصمیم مسئولین عملی شود و هر سال ۲۵۰ نفر دیگر به دانشکده وارد شوند این نمایش با شرکت ۷۵۰ نفری بیشتر از هزار نفر اجرا خواهد شد. در وضعیت کنونی برای کنترل و حضور و غیاب دانشجویان نیز هر بار شیوه جدید و متفاوت آزمایش شده و به کار گرفته می‌شود. مثلاً به هر یک از دانشجویان یک برگ چایی "آموزش" را که دارای مهر این اداره است، می‌دهند و ۱۰ دقیقه قبل از شروع هر جلسه درس اقدام به حضور و غیاب می‌کنند و به ازای هر جلسه درس یک مهر در برگ می‌زنند و اگر چنانچه در پایان هر درسی تعداد مهرها کمتر باشد، دانشجو حق ورود به جلسه امتحان را نخواهد داشت.

قبلاً نیز روش‌های دیگری چون حضور و غیاب دانشجویان به هنگام صبح و ظهر و یا دادن برگ‌های چایی جهت امضای روسای بخش‌ها به کار گرفته شد که همه این روش‌ها با شکست مواجه شده است. و اما شیوه آموزش در این کلاس: برای هر جلسه درس یک دستگاه ضبط صوت به همراه تعدادی نوار خالی آماده شده و گروهی مسئول ضبط اظهارات استاد در سر کلاس هستند. سپس با توجه به گروه‌بندی‌های متعددی که تحت عنوان گروه تحریر فلان (همانند تیپ‌ها و لشکرهای سپاه) به عمل آمده، هر کس به انجام وظیفه می‌پردازد. گروهی مسئول پیاده کردن نوارها، پاکتویس کردن آن‌ها، نوشتن استنسیل‌ها و تکثیر است و گروهی دیگر وظیفه تنظیم پلی‌کیپی و صحافی را به عهده دارد و بالاخره گروهی هم مسئول توزیع اوراق و جمع‌آوری و جوجه از دانشجویان است و در نتیجه بیشترین وقت مفید دانشجویان پای همین کارها تلف می‌شود.

دانشجویان تاکنون به طور مکرر به این مسایل اعتراض کرده و حتی به تحمصن و اعتصاب در سالن دانشکده پزشکی نیز دست زده‌اند. اما مسئولین و از جمله دکتر طوفان، رییس آموزش دانشکده با اشاره به سخنان منافی وزیر سابق بهداشتی به دانشجویان گفته

* واحدی در تهران در گزارش تبلیغی خود نوشته است، "تعداد تراکتها ۶۰۰ برگ بود که عمدتاً در محلات شاه عباس، سرآسیاب، دولت آباد، خیابان دانشکده توزیع شد. ۱۰ مورد نیز بر چسب نویسی را داشتیم که بر درب منازل بر روی اتوبوسها و مغازهها چسبانده شد. خرید شیرینی بمناسبت روز ۱۹ بهمن ۶ مورد بود که با مراجعه به منازل دوستان و آشنایان دلایل خرید شیرینی توضیح داده می شد. چهار مورد جشن و مهمانی بود که در آنها پیرامون جشن سالروز سازمان و قهرمانیهای نینانکاران آن صحبت شد. شیرینی، گل و کتاب برای... ارسال شد و شفاها علی آن توضیح داده شد..."

* در یک گزارش نوشته شده است، "تعداد ۵۵۲ برگ اعلامیه بشیوه موثر در محلات فقیرنشین حصارک، قلمستان، دهقان ویلا، سرآسیاب پخش شد. ساکنان این محلات در صف مایحتاج روزمره از پخش اعلامیه توسط فدائیان صحبت می کردند. ۲۴ مورد الصاق برچسب و ۱۵ مورد شعارنویسی "علیه جنگ برای صلح..." انجام یافت."

* از یک گزارش می خوانیم، "در مجموع از نظر تبلیغ پیشرفت داشته ایم. مجموعه ۵۰۰ اعلامیه با مضمون پانزده رهنمود به مردم شهادت سه تن از رفقا در محلات کارگری و زحمتکش نشین جنوب شهر در پاچه تلغنها، در خانه ها، عکاسیها، روی ماشینها، مراکز آموزشی پخش شد. در یک مورد که یکی از رفقا ۱۰ عدد اعلامیه جلوی یک ساختمان پزشکی می گذارد می بیند خانی بعد از خواندن اعلامیه آنرا با احترام به شخص دیگری که از رویرومی آمد داده است. در یک مورد هم که از رفقا روی برف پاک کن ماشینی اعلامیه می گذارد وقتی برمی گردد می بیند دوسه نفر مشغول خواندن آن هستند. ۴۰ مورد شعار نویسی و ۱۱ عدد برچسب ابتکاری با شعارها کارزده شد."

۶۴/۱۱/۲۶ پخش اعلامیه وسیعی انجام گرفت مردم هم استقبال می کردند و هم ابراز تعجب از اینکه چطور این اعلامیهها پخش شده است اعلامیهها درباره ۲۲ بهمن و مسائل انقلاب بود و امضای فدائیان خلق ایران (اکثریت) ردا داشت.

* رفیقی چنین نوشته است، "حدود ۴۰ اعلامیه بود که ۱۵ عدد آنرا در باخچی آباد و ۲۵ تای دیگر را در یک محله زحمتکش نشین دیگر پخش کردم. از این تعداد ۱۰ تا از آنها را در یک فرصت مناسب در میدان محله گذاشتم. وقتی برگشتم حتی یک عدد هم نمانده بود. ۱۱ مورد هم شمار نویسی داشتیم که ۲ تای آنها علیه جنگ برای صلح، سه مورد زنده یاد آزادی مرگ بر خمینی و ۴ مورد فراخوان ۱۵ رهنمود سازمان به مردم بود."

* در نامه ای از ایران نوشته شده است، "مردم می گویند فدائیان اکثریت در قزوین فعال هستند. از جمله در خیابان خیام یک پلاکارد پارچه ای نصب کرده بودند. که بعد از نیم ساعت از سوی مأمورین رژیم کنده شده و منطقه محاصره کردند."

* رفیقی در نامه خود از تبریز نوشته است، "ساختمان خوابگاه دختران در داخل دانشگاه، در جنب سلف سرویس و درست در یکی از پررفت و آمدترین

تشکیلات سراسری سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، گسترده ترین فعالیت افشاگرانه و سازمانگرا را در اقصی نقاط کشور علیه رژیم جنایتکار خمینی انجام می دهد. این فعالیتها هم از نظر گستردگی و هم از نظر کیفیت، غرور آفرین و قدرت پخش است. شعله رزم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، این تجسم کین طبقاتی، این برجم رزم برشکوه کارگران، سرخ و بر لهیب زبان می کشد. سوزندگی این شعله رخشان عرف سرد مرگ بر تن مرتجعان تاریخ می نشاند. خفاشان کور را طاقت دیدن آن نیست هیچ چیز، این مشعل تابان را دیوار نیست. این نور نافذ و خیره کننده است. این نور در خورشید پرولتاریا چشمه دارد. از عرصه گسترده رزم فدائیان خلق، برخی گزارش های تبلیغی را برگزیده ایم که می خوانید،

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گوشه هایی از فعالیتهای تبلیغی فدائیان خلق در داخل کشور



مسیر دولت آباد، جاده سوم، این بابویه، جوانمرد، جاده قم، خیابان ۲۴ متری پخش کردم و مایقی را در منازل پخش کردم و بیاروی شیشه اتومبیلها چسباندیم"

* رفیقی در نامه خود می نویسد، "من و همسرم صبح زود از خواب برخاستیم. ۵۰ عدد اعلامیه با مضمون ۱۵ رهنمود به... را برداشته و به اتفاق روی ماشینها، جلو خانه ها، پاچه های تلغنها در محلات کارگر نشین جنوب شهر پخش کردیم. کسانی که در صف شیر ایستاده بودند. یا چند قدم آنطرفتر مشغول صحبت بودند و قفسی به درخانه شان می رسیدند اعلامیه سازمان را با کل سرخ می دیدند و خاطرات ۲۲ بهمن برایشان زنده می شد. ماصیح را اینگونه آغاز کردیم، با روحیه ای شاد و مسرور از انجام و ثایف انقلابیمان."

* در گزارش دیگری آمده است، "۴۵ اعلامیه را برداشتم و حدود ساعت نه شب از منزل خارج شدم. ۲۰ عدد آنرا در کیوسکهای تلغنها

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

هم وطنان مبارز!

به بنیبه ها نروید، تدارکات رژیم را فلیج سازید، بانگ اعتراض خون علیه سیاست خائنانانه اعزام اجباری به بنیبه های مرگ را هر چه زودتر سازیم.

فدائیان خلق - اکثریت

قسمت های دانشگاه قرار دارد. بهیمن لحاظ چشمها و گوشهای امنیتی انجمن اسلامی بیست و چهار ساعته مراقب هستند که هیچ گونه فعالیتتی در این محوطه صورت نگیرد اما با همه این مراقبتها نشریه کار ارگان سازمان، به موقع در داخل خوابگاه پخش می شود."

* یک واحد در کرمان از جمله نوشته است، "تعداد ۲۰۰ تراکت مرگ بر"

* در یک گزارش نوشته شده است، "در تاریخ ۱۰ بهمن ماه با یکی از رفقا حدود ۱۲۰ اعلامیه در رابطه با پانزدهمین سالگرد سازمان جوانی میدان شوش پخش کردیم. یک اعلامیه که روی دیوار چسبانده شد با اینکه در معرض دید بود تا فردای آن روز بر دیوار ماند."

* در یک نامه خانوادگی نوشته شده است، "در محله نازی آباد در تاریخ

کارگران مبارز!

علیه توطئه اخراج، متحد شوید! اعتصاب کنید!

فدائیان خلق (اکثریت)

هواناران

گفتگو با "تکا کوناقه ماتسو" دبیر فدراسیون زنان ژاپن

فدراسیون زنان ژاپن بزرگترین شکل زنان در این کشور است. که بیش از ۴۰۰ هزار عضو دارد و ۱۸ سازمان زنان در آن گرد آمده‌اند. این فدراسیون که در سال ۱۹۵۲ بنیانگذاری شد مبارزات سازمان ژاپن را از جنوبی‌ترین نقطه این کشور در اوکیناوا تا شمالی‌ترین بخش آن جزیره هکایدو هماهنگ می‌نماید. فدراسیون، عضو دائمی سازمان دمکراتیک بین‌المللی زنان می‌باشد. تکاکوناقه ماتسو دبیر دوم فدراسیون زنان ژاپن، نویسنده کتابی است به نام وضعیت کنونی زنان در جهان. در این کتاب رفیق تکاکو مسائل و مشکلات زنان ایران را در جمهوری اسلامی نیز تشریح کرده است. وی در گفتگو با خبرنگار اکثرت تاکید کرده است که "ما از مبارزات زنان دمکرات عراق که خواهان خاتمه جنگ هستند و هم چنین از زنان دمکرات ایران حمایت می‌کنیم. زیرا که زنان دمکرات ایران نیز خواهان خاتمه جنگند." دبیر دوم فدراسیون زنان ژاپن افزود که در این فدراسیون "در سال گذشته در رابطه با وضعیت زنان ایران و عراق در شرایط جنگی، بحث و گفتگو صورت گرفت. نتیجه مباحثات محکوم ساختن این جنگ بود" رفیق ته ماتسو در این گفتگو خاطر نشان ساخت که سیاست فدراسیون در قبال جنگ ایران و عراق همواره چنین بوده است. او گفت "سه سال قبل

سفارت عراق در ژاپن از ما برای دیدار از این کشور دعوت کرد. ولی به خاطر نقش رژیم این کشور در جنگ، این دعوت را نپذیرفتیم" تکاکوناقه ماتسو که در کنفرانس ناپروبی شرکت داشت در گفتگو با خبرنگار ما به نقش "یک گروه چادریه سر" که از سوی جمهوری اسلامی در این کنفرانس شرکت ورزیده بودند، اشاره کرد.

دبیر دوم فدراسیون زنان ژاپن در این مصاحبه تشریح کرد که چگونه آرمان‌های دمکراتیک زنان پیشرو جهان با ستیزه جویی دشمن مشترکی که همانا امپریالیسم است، روبرو می‌باشد.

وی گفت که در عرصه جهانی اکنون "دفاع از نیکاراکوه در مرکز مبارزه ما جای دارد. زیرا که ما زنان ژاپن علیه امپریالیسم، و سرمایه‌داری مونیپولی ژاپن مبارزه می‌کنیم. بنابراین این با زنان نیکاراکوه دشمن مشترک داریم." او در حین گفتگو به عسکی که در اتاق کارش نصب بود اشاره کرد و اظهار داشت "آن عکس روی دیوار ما را در کنار زنان ویتنام نشان می‌دهد. ۱۸ سالی که مردم ویتنام در شرایط سختی به سر می‌بردند ما با آن‌ها ابراز همبستگی می‌کردیم. ما و مردم ویتنام هم دشمن مشترکی داریم."

دبیر فدراسیون زنان ژاپن مشکلات و اهداف مبارزاتی زنان این

کشور را چنین تریسیم کرد، خارجیانی که در خیابان‌های شهرهای ژاپن زنانی را می‌بینند که لباس‌های مناسب بر تن دارند، ممکن است گمان کنند آنان مرفه هستند. ولی واقعیت این‌طور نیست. دولت از ما مالیات زیادی می‌گیرد. دستمزدها پایین است. زنان ژاپن فقط نصف مردان حقوق می‌گیرند. سرمایه‌داری انحصاری ژاپن سودهای کلانی به دست می‌آورد. ما مردم خواستار این هستیم که سهم ما از سود بدست آمده بیشتر شود و از مالیات‌ها کاسته گردد. فدراسیون زنان ژاپن معتقد است که زنان کشورمان باید علیه دشمنانش یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری مونیپولی ژاپن و علیه پیمان نظامی آمریکا و ژاپن مبارزه کنند. ما خواهان قطع بودجه و نقلامی بوده و معتقدیم این بودجه باید صرف تامین اجتماعی و آموزش و پرورش شود. مالیات‌ها سنگین‌تر شده است. قوانین کارگری را بدتر کرده‌اند. دولت ناکازونه (نخست وزیر ژاپن) دولت مانجست. آن‌ها در صددند چشم‌ها و گوش‌های مردم را ببندند. امپراطور اگر چه علنا در دولت نقش و سستی ندارد ولی به دلخواه آمریکا عمل می‌کند و با سرمایه‌داری مونیپولی می‌رقصد. او که هنوز از نفوذ در میان مردم برخوردار است، از این امر به سود آن سیاست‌ها بهره می‌گیرد"

در خیابان ژنی را به افسر پلیس نشان داد و گفت، "بین جناب سروان، این هم احتیاج به طناب سفید دارد!" لاپد آن زن حجاب اسلامی را خوب رعایت نکرده بوده است.

مجید سالک محمودی یک جانی تمام عیار است. جنایات او را در درجه نخست باید در فضایی که رهبران جمهوری اسلامی حول مساله زنان ایجاد کرده است توضیح داد. سادیسیم او با سادیسیم رهبران جمهوری اسلامی هم سنخ است. تلقی او از زنان با تلقی جمهوری اسلامی انطباق کامل دارد. جنایاتی را که این جانی در یک محدوده فردی مرتکب شده است، جمهوری اسلامی در یک پهنه وسیع اجتماعی مرتکب می‌گردد. او واقعا شایستگی آن را دارد که از سوی رهبران رژیم به عنوان یک مرد نمونه برگزیده شود.

مرد سال جمهوری اسلامی



داعیه "مبارزه با فساد" را دارد و در این زمینه معتقد به "برخورد قاطع" است. به نوشته روزنامه ابراهنگامی که مامورین آگاهی این قاتل را برای بازدید از محل یک جنایت می‌بردند،

این فرد مجید سالک محمودی نام دارد. او حداقل ۴۰ زن و سه کودک را کشته است. او که به گفته بازپرس دادرسی عمومی تهران "از هوش خوبی برخوردار است" معتقد است که به خاطر "مبارزه با فساد" مرتکب این قتلها شده است. او پس از تجاوز به زنانی که به نظر او "فاسد" بوده‌اند، آنان را با "خونسردی" تمام با طناب سفید خفه می‌کرده و از این بابت هیچ ناراحتی و جدانی ندارد.

مجید سالک محمودی، از همه امتیازاتی که لازمه گرفتن لقب "مرد نمونه سال در جمهوری اسلامی" است، برخوردار است. او با رهبران جمهوری اسلامی هم رای است که "زنان منبع فسادند." او نیز همچون رهبران رژیم

هاشمی رفسنجانی، زنان "بد حجاب" ایران به "اردوگاه‌های بازآموزی" تبعید می‌شوند.

"اردوگاه"

"اردوگاه" یادآور صلیب شکسته، بر کوره‌های میز مش، انسان. محصول مغز مرگ پرستان- این مرده‌ریک ظلمت اعصار.

"اردوگاه"

محنت سرای جهل و خرافات. غمخانه اسارت و آفات. تبعیدگاه عشق و عدالت. ای وای بر تو، ای زن ایران!

پادشاه جهل پاک تو، آیا

شلاق و دشنه است و خموشی؟ کابوس جنگ و خانه به دوشی این چپله‌های سرد سیه‌پوش ثویا و گانت اسلحه بردوش قربانیان کوچک کشتار؟

این رنج‌ها برای تو بیست نیست؟ این چادر- این حصار سیه‌فام پیر اسارت توقف نیست؟ وین سرنوشت زشت شریار؟

ای بانوی دلاور ایران، ای هستی تو- طعمه آتش تنها زبان خشم تو، امروز، پاسخ دهد به این همه پرسش، اینک تویی و سنگر پیکار!

شعری را که خواندید توسط یکی از خوانندگان اکثرت سروده شده و در اختیار ما قرار گرفته است. متأسفانه شاعر نام خود را ذکر نکرده است. ما از همه کسانی که سروده‌هایشان را جهت انتشار برای ما می‌فرستند تقاضا داریم نام و پانام مستعار خود را قید نمایند.

جشنواره جوانان

برای صلح و همبستگی ضد امپریالیستی

پقیه از صفحه ۱۶

دمکرات و آنتون سکالا، صدراعظمی بین‌المللی دانشجویان دیدار کرد و آنها را در جریان تحولات کشورمان و وضعیت جوانان و دانشجویان ایرانی قرارداد. ۲۹ سازمان مترقی و انقلابی شرکت کننده در جشنواره دورتموند با امضای یک بیانیه مشترک خواستار پایان فوری جنگ بیپایان و ویرانگر ایران و عراق شدند. همچنین اعلامیه مشترکی از جانب فدراسیون جوانان دمکرات عراق، اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق، سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) و سازمان جوانان توده ایران در مورد جنگ ایران و عراق



مفتشگرگشت.

روز بعد از پایان جشنواره سپوزیومی با عنوان "مبارزه در راه صلح و مبارزه ضد امپریالیستی دوری یک سکه" با شرکت ۶۱ هیات نمایندگی از کشورهای مختلف برگزار شد شرکت کنندگان به تبادل نظر و بیان نظرات خود پیرامون موضوع بحث پرداختند. نماینده هیات جوانان فدایی در این سپوزیوم دوبار سخنرانی کرد. و به نحوی مبسوط به تشریح وضعیت جوانان ایران و تمهیدات رژیم جمهوری اسلامی برای اعزام آنها به قتلگاه جیبه پرداخت. این سخنرانیها مورد استقبال شدید سایر هیاتهای نمایندگی قرار گرفت. در پایان این سخنرانی مسئولین بسیاری از هیاتهای نمایندگی از جمله رفیق فرانسس ملی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، رفیق ماتیهاس دبیر سازمان جوانان آزاد آلمان دمکراتیک،

مفتشگرگشت. روز بعد از پایان جشنواره سپوزیومی با عنوان "مبارزه در راه صلح و مبارزه ضد امپریالیستی دوری یک سکه" با شرکت ۶۱ هیات نمایندگی از کشورهای مختلف برگزار شد شرکت کنندگان به تبادل نظر و بیان نظرات خود پیرامون موضوع بحث پرداختند. نماینده هیات جوانان فدایی در این سپوزیوم دوبار سخنرانی کرد. و به نحوی مبسوط به تشریح وضعیت جوانان ایران و تمهیدات رژیم جمهوری اسلامی برای اعزام آنها به قتلگاه جیبه پرداخت. این سخنرانیها مورد استقبال شدید سایر هیاتهای نمایندگی قرار گرفت. در پایان این سخنرانی مسئولین بسیاری از هیاتهای نمایندگی از جمله رفیق فرانسس ملی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، رفیق ماتیهاس دبیر سازمان جوانان آزاد آلمان دمکراتیک،

کمک‌های مالی رسیده

کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی از آمریکا	۱۰۰ دلار
از تکزاس - آمریکا	۸۴ دلار
از آرکانزاس - آمریکا	۵۰۰ دلار
از تکزاس - آمریکا	۱۰۰ دلار
از جنوب آمریکا	۸ عدد تمبر پستی بین‌المللی
"تولد نیما" - آمریکا	۲۰ دلار
امید از استکهلم - سوئد	۱۰۰ کرون
"بیاد رفیق رضی" از فاکشتا - سوئد	۸۰۵ کرون
"بیاد رفیق رضی" از ایسالا - سوئد	۱۵۰۰ کرون
بیاد رفیق موذنی پور از اوره برد - سوئد	۱۷۰ کرون
سیمون ود انیل - سوئد	۴۵۵ کرون
رفیقای از هلند	۵۰۰ کیلدر
از استرالیا	۵۵ دلار
رفیقای از ماریسی	۸۰ فرانک
نوید از دانمارک	۱۶۰۰ ریال
از جشن تولد نوید - دانمارک	۴۰۰ کرون
رضا از دانمارک	۲۷۵ کرون
روجا از دانمارک	۲۰۰ کرون
از وستروس - سوئد	۱۵۰۰ کرون
از کمپ موهد - سوئد	۷۰۰ کرون
یک دوست ایرانی - سوئد	۲۰۰ کرون
مهرنوش - سوئد	۱۵۰۰ کرون
ناصر - ایسالا - سوئد	۱۰۰ کرون
از استکهلم - سوئد	۱۲ پوند
رفیق باپک	۱۵۰۰ مارک
توماچ و صهای کوچولو	۱۲۰۰ مارک
"بیاد رفقای شهید"	۱۲۰۰ مارک
حاصل تلاش جمعی از هواداران در هلند	۱۶۵ کیلین
از هلند	۲۵ کیلین
"ن-ب" از بیلفلد - آلمان فدرال	۱۰ مارک
م ۵۰ از کیل - آلمان فدرال	۴۸/۵ مارک
کریم از برمن - آلمان فدرال	۵۰ مارک
احسان از کیل - آلمان فدرال	۲۰ مارک
جمعی از رفقای هوادار در بوخوم - آلمان فدرال	۲۳۴/۴ مارک
هوشنگ	۲۰۰ ریال
فرزاد از پادوا - ایتالیا	۱۰۰۰۰ لیر
از شهر فرارا - ایتالیا از محل جمع آوری شده در جشن "اونیتا" برای نشریه کار	۷۰۰۰۰ لیر
از شهر فرارا - ایتالیا از محل جمع آوری شده در جشن "اونیتا" برای نشریه "اکثریت"	۴۰۰۰۰ لیر

با جمع آوری کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی

یاری دهید!

فستیوال جوانان در عصر روز مجدم ماه مه با "کنسرت همبستگی با نلسون ماندلا" بپایان رسید. در این کنسرت دفاعیه تاریخی ماندلا توسط یکی از هنرمندان مترقی آلمان خوانده شد و هنرمندان کشورهای مختلف ضمن اجرای برنامه، خواهان آزادی نلسون ماندلا رهبر مبارزه مردم آفریقای جنوبی شدند.

بقیه از صفحه اول

واقع در طول ۲۶ سالی که از حیات اوپیک می‌گذرد، لحظه‌ای هم از فشارهای سازمان یافته آن‌ها در راستای تضعیف و درهم شکستن اوپیک کاسته نشده است. از این رو ممکن نیست بحران امروزین اوپیک را تنها با حوادث و رویدادهای اخیر توضیح داد. زمینه بروز این بحران در مجموعه اقداماتی نهفته است که انحصارات و دولت‌های امپریالیستی تاکنون انجام داده‌اند. این اقدامات در سال‌های اخیر نتایجی به بار آورده که اوپیک را تضعیف کرد و نقش آن را در قیمت‌گذاری بهای نفت در بازارهای جهانی تنزل داد. در پی آن در ماه‌های گذشته فشار متمرکز انحصارات نفتی برای احراز موقعیت بی‌چون و چرا در تعیین قیمت نفت و گسترش سلطه خود بر بازارهای جهانی و تسلیم ساختن اوپیک اعمال شد که بحران کنونی شمره آنست. به برخی از اقداماتی که این انحصارات و دولت‌ها انجام داده‌اند، نظری می‌افکنیم.

انحصارات نفتی و اوپیک

با بالا رفتن بهای نفت در دهه هفتاد، ضرورت بهره‌گیری از دیگر منابع انرژی هر چه بیشتر در سطح جهان طرح گردید. افزایش بهای نفت انجام این امر را هم ممکن و هم گریز ناپذیر ساخت. نتایج اقداماتی که در این راستا صورت گرفت، در دهه هشتاد به نحوی چشم‌گیر خود را متجلی ساخت، بدان گونه که سهم نفت در کل حجم انرژی مورد تقاضا و مصرف جهانی رو به کاهش نهاد. علاوه بر این، قیمت بالای نفت به انحصارات نفتی این امکان را داد که برای استخراج نفت در مناطقی از قبیل دریای شمال که نصب تاسیسات حفاری و انتقال، سرمایه هنگفتی می‌طلبید، اقدام نمایند. بدین ترتیب نفت حاصله از این مناطق نیز به بازار سرازیر شد.

در چنین شرایطی اوپیک برای مقاومت در برابر فشارهای انحصارات و حفظ نقش و سهم خود در بازار جهانی نفت، در موقعیت دشواری قرار گرفت. انحصارات نفتی به منظور ایجاد شکاف در اوپیک و کسب سودهای هنگفت‌تر، کشورهای عضو اوپیک را به رقابت با یکدیگر کشاندند. آن‌ها همچنین از عقد قراردادهای دراز مدت با اوپیک خودداری نمودند. کشورهای امپریالیستی در فاصله زمانی ۱۹۷۲ تا

نگاهی بر بحران اوپیک

۱۹۸۴، بین ۲۰ الی ۴۰ درصد از واردات نفتی خود از اوپیک کاستند. جدول زیر کاهش نقش اوپیک را در کل مصرف نفت خام کشورهای امپریالیستی نشان می‌دهد:

سهم اوپیک در کل مصرف نفت خام کشورهای صنعتی سرمایه‌داری (واحد: درصد)

کشور	۱۹۷۲	۱۹۸۴	اختلاف
آلمان فدرال	۹۶	۵۶	-۴۰
فرانسه	۹۲	۵۸	-۳۴
ایتالیا	۹۱	۶۸	-۲۳
ژاپن	۹۶	۷۸	-۱۸
ایالات متحده آمریکا	۶۲	۴۲	-۲۰

مآخذ: نشریه Horizont شماره ۱ سال ۱۹۸۶

قیمت نفت خود را به میزان بیشتری کاهش داد. انگلستان نیز از سیاست نروژ تبعیت کرد و این اقدام باعث شد تا بار دیگر اوپیک در تنگنا قرار گیرد. بیش از ۲ میلیون بشکه نفت صادراتی روزانه دریای شمال (۲/۴ میلیون بشکه در منطقه انگلیس و ۷۰۰ هزار بشکه در منطقه نروژ) می‌توانست در کاهش قیمت نفت موثر افتد. شرکت "استات اویل" نروژ در نوامبر سال ۱۹۸۲، قیمت نفت را بار دیگر کاهش داد. انحصارات نفتی انگلیس و همچنین کشور نیجریه (عضو اوپیک) به نروژ پیوستند و بدین ترتیب اولین نشانه‌های جدی بحران پدیدار شد.

عوامل تشدید بحران

از اجلاس ماژس ۸۲ اوپیک که مقارن با کاهش اولیه قیمت نفت بود تا امروز که اوپیک با چیزی فراتر از یک بحران مواجه است، عوامل متعددی بر کاهش هر چه بیشتر قیمت نفت تأکید کرده‌اند. به برخی از این عوامل اشاره می‌کنیم:

سیاست‌های اوپیک شکنانه

با آغاز بحران، تشدد و چندگانگی در سازمان کشورهای صادره کننده نفت (اوپیک) شدت گرفت. در حالی که برخی از کشورها برای تثبیت قیمت نفت تلاش می‌کردند، دیگر کشورها تمایل داشتند تا کاهش درآمد ارزی خود را با صدور گسترده‌تر و

بدین ترتیب در نتیجه سلسله اقدامات برنامهریزی شده انحصارات نفتی امپریالیستی، نقش و سهم نفت اوپیک در کل بازار جهانی این فرآورده از میزان ۶۸ درصد در سال ۱۹۷۷ به ۲۴ درصد در سال ۱۹۸۱ تنزل یافت. با تنزل یافتن نقش نفت اوپیک در بازار مصرف جهانی، انحصارات امپریالیستی به یکی از کارآمدترین حربه‌های خود در زمینه گسترش سلطه بیشتر بر بازار این فرآورده، دست یافتند. به دیگر سخن با کاهش نقش اوپیک در کل مصرف جهانی این ماده سوختی، انحصارات امپریالیستی توفیق آن را یافتند که با تحمیل شرایط و بهای دلخواه خویش بر غارت و چپاول ثروت ملی کشورهای عضو اوپیک دوچندان بیافزایند. البته این عامل اقتصادی همراه با عوامل سیاسی چندی امکان اعمال چنین فشاری را ممکن ساخت. یکی از حربه‌های سیاسی کارآیی انحصارات نفتی، وابستگی تعدادی از رژیم‌های کشورهای عضو اوپیک به امپریالیسم بوده است. این امر باعث آن بوده است که در اوپیک همواره بحران مزمنی جریان داشته باشد که برای انحصارات نقطه اتکای مهمی به حساب می‌آید.

بحران آغاز می‌شود

به دنبال کاهش تقاضا برای نفت اوپیک، سیزده کشور عضو این سازمان در ماه مارس سال ۱۹۸۲،

بازاریابی بیشتر نفت جبران نمایند. کشورهای ارتجاعی و وابسته عضو اوپیک نیز با سیاست‌ها و اعمال خود، بر بحران حاکم افزودند. بسیاری از کشورهای عضو اوپیک سهمیه تعیین شده و قیمت رسمی در نظر گرفته شده از سوی اجلاس‌های این سازمان را، در عمل رعایت نکردند. برخی از کشورهای عضو اوپیک فراتر از سهمیه تعیین شده خود به صدور نفت پرداختند، حال آن که برخی دیگر نفت خود را با قیمتی نازل‌تر از قیمت تعیین شده عرضه کردند. کشورهای عربستان سعودی، نیجریه، کویت، عراق و جمهوری اسلامی از جمله کشورهایی بودند که با سیاست اوپیک شکنانه خود، بر دامنه بحران افزودند.

عملکرد جمهوری اسلامی در مجموعه سیاست‌های اوپیک شکنانه از مقام و موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. از یک سو سران رژیم خمینی چوب حراج بر منابع نفتی کشور زدند و نفت ارزان را به بازار ریختند. دری نجف آبادی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در اسفند ماه سال ۶۲، رسماً اعلام کرد که جمهوری اسلامی از صدور نفت ارزان به ازای شبکه ۲۵ دلارتا هر میزان - استقبال خواهد کرد. البته اسناد ارایه شده حاکی است که رژیم در همان زمان برای مشتریان نفت خود "تخفیف‌های به مراتب بیشتری" قابل می‌شد. از سوی دیگر رژیم علی‌رغم دشواری‌های متعدد خود در زمینه صادرات نفت (بنا به علل جنگی) از مبادی صادراتی کشور، تمایل به صدور هر چه گسترده‌تر این فرآورده داشت. سران رژیم جمهوری اسلامی در راستای اقدامات اوپیک شکنانه خود، حتی خواستار مرگ و نابودی اوپیک شدند. (جمهوری اسلامی ۶۲/۱۲/۴)

جنگ در خلیج

تداوم جنگ در خلیج نیز که اکنون جمهوری اسلامی مسئول آن است، از جمله عوامل تضعیف اوپیک به شمار می‌آید. همه کشورهای حاشیه خلیج فارس عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت هستند. بخش مهمی از نفت اوپیک از خلیج فارس صادر می‌شود.

بین‌المللی در خلیج فارس و بمباران کشتی‌های نفت‌کش و تهدیدات مداوم جمهوری اسلامی در بمباران چاه‌ها و تاسیسات نفتی حوزه خلیج ابهاماتی در توان این کشورها در صدور منظم نفت پدید آورد. انحصارات نفتی با بهره‌گیری از این فرصت و بی‌ثباتی

آشوبگری فاجعه آفرینان گاپیلون در برلین غربی

سالن غذاخوری دانشگاه شهر برلین غربی در روز جمعه دوم خردادماه به عرصه یورش شرورانه گروهی از عناصر مخ شده ای تبدیل شد، که توسط رهبری تشکیلات اقلیت در خارج از کشور به این شهر کسپیل شده بودند. آنان که حاموریت داشتند بهر قیمت جلوی فعالیت سیاسی سازمانهای ایرانی را در این محل بگیرند، در حالیکه به سلاح سرد مجهز بودند به عده ای از هواداران سازمان ما که در این محل حضور داشتند، حمله بردند و درگیری شدیدی را به بار آوردند.

رهبری تشکیلات اقلیت در خارج از کشور جهت انجام این اقدام وحشیانه حداکثر افرادی را که می توانست، از کشورهای مختلف اروپا گرد آورد و روانه برلین غربی ساخت. در میان مهاجمین علاوه بر افراد شناخته شده این جریان از شهرهای مختلف آلمان فدرال، عده ای از فعالین آنها از فرانسه، بریتانیا و... نیز حضور داشتند. آنها چند روز قبل از این حادثه به شهر برلین غربی منتقل شده و در محل های معین اسکان داده شده بودند.

در روز دوم خرداد این افراد که به سلاح سرد تجهیز شده بودند در محل غذاخوری دانشگاه حاضر شدند و در حالیکه جریان امور در این محل بدون اغتشاش ادامه داشت، آنان با اعلام علامت رمز رهبر باند مهاجم،

بنام غافلگیرانه به چند تن از هواداران سازمان ما که در این محل بودند، یورش آوردند. بدین ترتیب آشوب و درگیری خونین و شدیدی بهار آمد که در نتیجه آن عده ای از دیگر هواداران سازمان و عده ای از دیگر افرادی که در این محل حضور داشتند بشدت مضروب و مجروح گردیدند. مهاجمین که تکام گسسته شده بودند، پس از پایان درگیری نیز به تخریب محل غذاخوری و شکستن شیشه های در و پنجره این محل پرداختند تا هیچ زمینه ای برای از سرگیری مجدد فعالیت سیاسی ایرانیان در این محل باقی نماند. آنان به نتیجه مورد نظر دست یافتند و در همان روز مسئولین این دانشگاه اعلام داشتند که از این پس فعالیت سیاسی سازمانهای ایرانی در این محل ممنوع خواهد بود.

حادثه روز جمعه دوم خردادماه اولین فاجعه آفرینان گاپیلون در هفته های اخیر در خارج از کشور برپا کرده اند. آنها در همه جا با دست زدن به اوباشانه ترین روشها می کوشند در مجامع فعالیت و حضور ایرانیان اغتشاش بر پا کنند و چنان جو محیطی پدید آورند که ادامه حضور سیاسی فعال ایرانیان مبارز را دشوار نمایند. مادر شماره های گذشته نشریه نمونه هایی از آن را ذکر کردیم. در همین شهر برلین غربی نیز در چند هفته

اخیر اوباشگریهای وابستگان این جریان تشنجاتی پدید آورد که به ایجاد اختلال در کار افشاگرانه نیروهای مترقی علیه رژیم خمینی انجامید. ما آشکار ساختیم که هدف این جریان از این تشنج آفرینی ها که فارغ از هرگونه تنگ و نامی صورت می گیرد چیست. برپا کنندگان و ستایشگران فاجعه گاپیلون که در پیله انزوای خود ساخته به بند کشیده شده اند و به هیچ یک از یرشهایی که پیرامون کارکرد فاجعه بارشان طرح می شود، نمی توانند پاسخ دهند، در محدود ساختن حیطه فعالیت سازمانهای مبارز ایرانی، منافی و راه گریزی جستجو می کنند. به این خاطر این شهر و آن کشور به دوره افتاده اند و هر بار با مستمسکی علیه این و آن چماق کشی براه می اندازند و می کوشند زمینه منع فعالیت ایرانیان مبارز را فراهم سازند.

آشوب طلبان در موقعیت کنونی به تشقت فیما بین سازمان های مترقی ایرانی در خارج از کشور و به تنگ نظری و کوتاه بینی مسئولین برخی از این سازمانها دل بسته اند و ظاهرا اطمینان خاطر یافته اند که حتی اوباشانه ترین اعمال آنان نیز نمی تواند این گونه عناصر و سازمانها را به اتخاذ روشی مسئولانه وادارد.

ظلمت کسانیکه در برابر این گونه اعمال بی تفاوت می مانند و بیا بدتر از آن خود زمینه ساز بروز موج تشنجاتی می شوند که این آشوب طلبان بر آن سوار می شوند، نمی توانند مسئولیت خود را در بروز این حوادث انکار نمایند. در رویدادهای هفته های اخیر

آنان نشان ندادند که توانایی، درایت و جسارت کافی برای اتخاذ تصمیمات مسئولانه را دارا هستند. اکنون که نتایج این اعمال آشوبگرانه پدیدار می شود. آن کسانیکه رسامدم اعتقاد خود را به درستی این روشها اعلام داشته اند موظف هستند به وظایف ناشی از آن عمل نمایند.

مایکبار دیگر اعلام می کنیم که اینگونه اعمال آشوبگرانه و نتایج آن به زیان مردم ما، و به سود رژیم منحوس خمینی، امپریالیسم و ضد انقلاب سلطنت طلب است. بیگمان رهبری این جریان آشوب طلب نمی تواند به این حقیقت واقف نباشد. ما این اعمال و مسببین آن را محکوم می کنیم و در نهایت هشجاری و با احساس مسئولیت کامل در جلوگیری از بروز اینگونه حوادث خواهیم کوشید. در عین حال یکبار دیگر یادآوری می کنیم که ما به مسئولیتها و وظایف انقلابی خود واقف و نسبت به انجام آن متعهدیم. هیچ چیز نخواهد توانست بر اراده آهنین فدائیان خلق در انجام وظایف سترگی که بر عهده گرفته اند، چیره شود. همیای تداوم حضور رزمجویانه فدائیان خلق در پهنه کشور اعضا و هواداران سازمان در خارج از کشور نیز در همه عرصه های مبارزه حضور دارند و به وظایف انقلابی خود عمل می کنند و مثل همیشه از همه امکانات در این راستا بهره می گیرند. این امر با هیچ چیزی مشروط نمی شود. کسانیکه از تابش خورشید رزم ما، در عذابند، ناچارند چاره دیگری برای خود بیاندیشند.

همان گونه که ملاحظه می شود سیر صعودی قیمت نفت که از اجلاس دسامبر ۷۶ آغاز شده بود، در مارس ۸۲ متوقف شد و جای خود را به سیر نزولی داد. از اجلاس ۶۷ اوپک تا به امروز، بحران در سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) حدت و دامنه گرفته است. هیچ یک از اجلاسهای اخیر اوپک برای رویارویی با روند کاهش بیهای نفت کارا نبوده است. هم اینک یک ماه پس از پایان نشست ۷۷ اوپک در ژنو، بیهای هر بشکه نفت تا حد ۱۰ الی ۱۲ دلار کاهش یافته است.

نفت در هم می شکنند و هرچ و هرچ غربی برپا می کنند. معاملات را کند می شود و قیمت ها باز هم کاهش می یابد. در ماه نوامبر سال ۸۵ دولت آمریکا روزانه ۱/۱ میلیون بشکه نفت از مخازن استراتژیک خود برداشت و به بازار جهانی تزریق کرد. به موازات این اقدام آمریکا، انحصارات بین المللی نفت نیز روزانه ۵۰۰ هزار بشکه نفت را از اینجورهای بازار سراریز کردند.

این گونه عوامل و توطئه هادست به دست هم داده و بر بستر وابستگی ها و افس گرایی های برخی از دولت هایی که عضو سازمان کشورهای صادر کننده نفت هستند، این سازمان را با چیزی فراتر از بحران مواجه ساخته است. بدان حد که اکنون انحصارات نفتی و دولت های امپریالیستی که همچون لاشخورانی به نظاره نشسته اند، مرک اوپک را لحظه شماری می کنند.

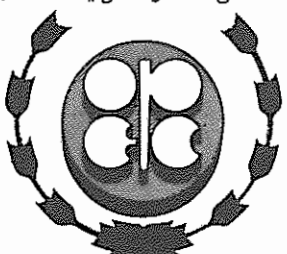
نفت در مخازن استراتژیک خود، حربه کار آبی برای اعمال فشار به کشورهای صادر کننده نفت به دست می آورند. گزارشات حاکی است که بیش و در آستانه بحران اخیر دولت ها و انحصارات امپریالیستی فعالانه در جهت ذخیره سازی نفت می کوشیدند. طبق آخرین برآوردهای اعلام شده، ذخایر کشورهای امپریالیستی، تکافوی تامین قریب به ۱۰۰ روز مصرف عمومی نفت این کشورها را می کند. آنان در ماه های اخیر کماکان ذخایر انباشته از نفت را به مقابله اهرم جدی برای کاهش هر چه بیشتر قیمت نفت اوپک به کار گرفته اند.

در همان حال و یا به تناوب انحصارات نفتی با بهره گیری از ذخایر استراتژیک، نفت اضافی به بازار تزریق می کنند. به این ترتیب ثبات نسبی قیمت ها را در بازار جهانی

پدید آمده واردات نفت از حوزه خلیج فارس را دچار اختلال کردند. از سوی آن ها خرید نفت به اخذ تسهیلات و تخفیف های تازه تری مشروط شد. جنگ و ناامنی در خلیج بهانه کافی برای امتناع از عقد قراردادهای دراز مدت را فراهم ساخت. موقعیت قوی انحصارات نفتی در معامله با کشورهای حاشیه خلیج، موقعیت انحصارات را در معامله با دیگر کشورهای صادر کننده نفت نیز نیرومندتر ساخت.

ذخیره سازی و تزریق نفت

انحصارات امپریالیستی از حربه ذخیره و تزریق نفت برای ایراد فشار بر اوپک سود چسته اند. دولت های امپریالیستی در مقاطع معین زمانی، با ذخیره سازی اضافی



ورشکسته شود تا همه بانکها وموسسات مالی امپریالیستی لطامت جدی ببینند. سناریوی افول ژنرالها تهیه شد.

آلترناتیو "دمکراسی پارلمانی" است. به قول یک نویسنده آرژانتینی، رژیم های نظامی به درد قرض درست کردن رژیم های غیر نظامی به درد بازپرداخت قروض می خورند.

معاذت کرده ایم در آمریکای لاتین، واشنگتن را با نامهایی نظیر سوموزا، دووالیه و پینوشه پیوند دهیم. اما این امر فقط تا لحظه معینی امکان پذیر است.

هرگاه کارها یا "مشت آهنین" پیش نرود، باید دست کش سفید پوشید و (مثل نمونه السالوادور) انتخابات به راه انداخت. می شود با پنبه هم سربرید. اما می شود از دستکش آهنین ونه از دستکش سفید استفاده کرد، بلکه دستها را پنهان کرد ولحظه ای منتظر ماند. بگذار "نظام پارلمانی" کار خودش را بکند. مگر نه این است که برای بورژوازی هرگاه شرایط مهیا باشد، روش های پارلمانی بهترین شیوه تحکیم سلطه بر جامعه است؟ لنین بر آن بود که حتی جمهوری دمکراتیک بورژوازی نیز ماشین سرکوب پروتاریابه سمت بورژوازی است.

هرگاه بورژوازی بتواند موقعیت را بدون براه انداختن ترور حفظ کند وترسی هم از یورش طرف مقابل نداشته باشد، گزینه حفظ بقا و عقل سلیم بدون حکم می کند از این امکان بهره گیری.

پارلمانتاریسم می گذارد تا فشار دیک بخنار ناراضیاتی توده های استثمار شده کاهش یابد و از بار رادیکالیسم جامعه کاسته شود.

البته باید متذکر شد رژیم متکی به قانون اساسی از دیدگاه نیروهای واقعا دمکراتیک، پیشرفت عظیمی در قیاس با دیکتاتوری است. در نظام پارلمانی، زحمتکشان امکان می یابند از حقوق خود دفاع کنند. احزاب کمونیست و سایر سازمانهای ترقیخواه می توانند بطور قانونی فعالیت کنند.

هرگاه کشورهای دارای دمکراسی پارلمانی از دید واشنگتن "زیاد از حد مستقل" شوند، واشنگتن ابزار اعمال فشار بر آنها را در دست دارد، از تاکتیک "بی ثبات کردن" گرفته تا فشارهای مگرکی و قدرت نمایی مستقیم. اگر هم کار به جاهای یاریک بکشد، همیشه امکان اجرای طرحهای براندازی هست.

این تژ که آمریکا همیشه و در همه حال رژیم های دیکتاتوری را ترجیح می دهد، تاحدی با افرای توام است. طراحان استراتژی آمریکا با کامپیوترهای خود همیشه امکانات مختلف از دیکتاتوری نظامی تارژیم های "قانونی" را مدنظر می گیرند.

آیا باید چنین نتیجه گرفت که دوران دیکتاتورهای سر رسیده است؟

اولا دیکتاتوری ها در شیلی و پاراگوئه هنوز پا برجا هستند. در این کشورها، به نظر تحلیل گران واشنگتن، مشت آهنین هنوز کار ساز است. فقط نباید لحظه مساعد برای تعویض قدرت را از دست داد. ثانیا در دهه ۶۰ نیز بسیاری گمان می کردند دوره دیکتاتورها به سر رسیده است. اما دیری نگذشت که در برزیل، شیلی و آرژانتین ژنرالها قدرت گرفتند. در موقعیت کنونی آمریکا نمی خواهد

توده های مردم ژنرالها را به زور سرنگون کند، و از این رو هرچا چنین خطری باشد، خود آنها را از صحنه خارج می کند. در هر حال، خلقهای آمریکای لاتین مصممند نگذارند دیکتاتورهای پانزگرد نده.

شالوده ای از هم پیوندی اجتماعی وسیاسی می سازد که رژیم می تواند بر آن اتکا کند.

موقعیتی که در آن، "پائینی ها نخواهند و بالا می نتوانند" (البته در اینجا به عنوان شرط انقلاب، بلکه بمشابه زمینه دمکراتیزه شدن نظام سیاسی)، در همه جا فوراً و مطابق یک الگو صورت نگرفت. در آرژانتین و اروگوئه، مردم به تدریج بر

افول دیکتاتورها؟

فشرده مقاله ای از ولادیسلاو چیرکف

عصر جدید شماره ۱۹ سال ۱۹۸۶



آرژانتین، ژنرالها در ادگاه

ترس غلبه کردند، هر روز شجاعانه تر پیش رفتند تا روزی که فریاد رعد آسای "سرنگون باد" شان دیکتاتورها را به لرزه درآورد. در برزیل، موج جنبش تاحدی توسط "لیبرالیزه شدن تحت کنترل" مهار گردید، اما اعتصابات سیاسی که شمار آنها دوما افزایش یافت، تسلیم نظامیان را تسریع کرد.

در دهه ۷۰، الیکارشی آمریکای لاتین با توافق حامیان در مراکز جهان سرمایه داری دست به تلاشهایی برای ادغام این منطقه در اقتصاد جهانی سرمایه داری زد. بورژوازی بزرگ در این روند امکاناتی برای بسط سلطه سیاسی-ایدئولوژیک خود در جامعه و تحکیم ثبات اجتماعی وسیاسی می دید. در تعدادی از کشورهای آمریکای جنوبی، نظامیان راست گرا کوشیدند کشورهای عقب مانده خود را به سطح کشورهای صنعتی سرمایه داری برسانند. در مرحله معینی، نسخه های آنان به رونق اقتصادی به قیمت کاهش سطح زندگی زحمتکشان انجامید. برزیل در فاصله ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴، دوره بلدانقلعی از رشد اقتصادی را از سر گذراند. اما این الگوها از بحرانهای ۷۵-۱۹۷۴ و ۸۲-۱۹۸۱ جان سالم بدر نبردند. پدیده ای که اقتصاددانان بدان "رشد بدون پیشرفت" اطلاق می کنند بروز کرد. آرژانتین، بولیوی، برزیل، اروگوئه و شیلی در ورطه بحران اقتصادی گرفتار شدند.

بورژوازی در هر حال به سیاستمدارانی نیاز دارد که از عهده اداره اقتصاد برآیند و اقتصاد را به ورشکستگی نکشانند. علاوه بر این، تنها کافی بود تا یک کشور بزرگ و مقروض در آمریکای لاتین

یکی از پدیده های قابل توجه سالها، ماهها و حتی هفته های اخیر سرنگونی برخی رژیم های فرتوت سرکوبگر است. تازه ترین نمونه، فیلیپین است. در کره جنوبی، رژیم چون دوهوان دچار بحران عمیقی است. و در آفریقا، سودان و "امپراتوری" سابق آفریقای مرکزی، رژیم های مستبد سقوط کرده اند.

این گرایش، بارزترین جلوه را در آمریکای لاتین دارد. در سال ۱۹۸۵، نظامیان در برزیل و اروگوئه از قدرت کناره گرفتند. در برزیل مردم برای نخستین بار پس از ۲۰ سال، در پانزدهم نوامبر ۱۹۸۵ به پای صندوق رای رفتند. در آرژانتین و بولیوی، نظام پارلمانی در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۲ احیا شده بود. در ۱۴ ژانویه ۱۹۸۶، رهبر حزب دمکرات مسیحی گواتمالا عهده دار مقام ریاست جمهوری گردید. در هفتم فوریه، به حیات دیکتاتوری ژان کلود دووالیه در مائیتی پایان داده شد.

آیا این همه به مفهوم افول نهایی دیکتاتورهاست؟

در برابر اراده ژنرالها، اراده توده های مردم قرار دارد که طبعاً دیکتاتوری نمی خواهند. عامل دیگری نیز وجود دارد که عبارت است از محاسبات بورژوازی، که به هیچ وجه با ورشکسته شدن کامل کشور به دست نظامیان موافق نیست. وبالاخره، باید از نقش ایالات متحده آمریکا نام برد که البته نمی توان آن را در یک جمله خلاصه کرد.

کناره گیری "داوطلبانه" و در عین حال اجباری نظامیان در برخی کشورهای آمریکای لاتین دلایل گوناگون دارد که از آن جمله اند اثرهای سیاسی فزاینده آنها در کشور، کاهش اعتبار بین المللی رژیم های نظامی و ناکام ماندن نسخه های اقتصادی آنان که تشدید تضادهای اجتماعی را در پی داشت و حتی بسیاری از سرمایه داران را به خاک سیاه نشاند.

البته ژنرالها این نسخه های اقتصادی را ابلاغ نکرده اند، این نسخه ها محصول "مکتب شیکاگو" به رهبری میلیتون فریدمن است و قبل از هر چیز در خدمت انحصارات فرامیلتی است. رثوس این نسخه ها عبارت است از:

- آزادی کامل معاملات مالی که سود عمده آن به جیب بانکهای امپریالیستی و بخشی از الیکارشی محلی می رود؛

- دایره ناتمام و اما که بهره های هنگفت آن، این کشورها را دچار قروض خارجی کلان می کند؛

- سهل کالاهای وارداتی خارجی که محصولات محلی قادر به رقابت با آنها نیستند.

مثلا در برزیل، ظرف ۲۰ سال، قروض خارجی ۲۰ برابر شده و از ۱۰۰ میلیارد دلار تجاوز کرد. عواقب اجتماعی سیاست ژنرالها فاجعه آمیز است. در

آرژانتین در پایان حکومت نظامیان در زمینه مسکن کمبودی معادل در میلیون واحد وجود داشت. در شیلی ۲۰ درصد از جمعیت بالغ بیکار است.

فساد در دستگاه دولتی به پدیده جدایی ناپذیر دیکتاتوری های تبدیل شد. سخن بر فساد این بیای آن مقام نیست، بلکه به هم آمیختن کامل گانگستریسم و قدرت دولتی مطرح است. بارزترین نمونه در این مورد، رژیم دووالیه در هائیتی رژیم استرووس در پاراگوئه است. به تعبیر هفته نامه "پوئبلو" وابسته به اپوزیسیون پاراگوئه، در صفوف مقامات دولتی، "شریک جرم بودن" تنها چیزی است که افراد را به هم پیوند می دهد. "فساد مشترک" چنان

تجاوز جنایتکارانه آفریقای جنوبی به سه کشور

جام جهانی فوتبال در مکزیک

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی مرتکب جنایت جدیدی گردید. صبح دوشنبه گذشته، هوایماها و هلی کوپترهای ارتش آفریقای جنوبی، اهدافی را در حراره، لوزاکا و کاپارون پایتخت های زیمبابوه، زامبیا و بوتسوانا مورد حمله قرار دادند. دفاتر کنتره ملی آفریقا در حراره و کاپارون و نیز یک اردوگاه آواره گان در نزدیکی لوزاکا در این حملات آسیب دیدند.

در سراسر جهان، جنایت جدید رژیم پرتوریا با موجی از ابراز انزجار و خشم روبرو شد. رابرت موگابه نخست وزیر زیمبابوه این تجاوز را نمونه ای از تروریسم دولتی خواند. به ویژه حمله به اردوگاه آواره گان سازمان ملل در لوزاکا به بهانه واهی حضور مبارزان کنتره ملی آفریقا در آنجا، اعتراضات جهانی گسترده ای را برانگیخت. در این بیورش دوتن کشته و هشت نفر زخمی شدند. در حمله به بوتسوانا، یک شهروند این کشور به قتل رسید.

بدنبال حمله آفریقای جنوبی به زیمبابوه، زامبیا و بوتسوانا، وزرای خارجه شش کشور خطمقدم چببه مبارزه علیه آپارتاید (آنکولا، بوتسوانا، موزامبیک، زامبیا، زیمبابوه و تانزانیا) در حراره پایتخت زیمبابوه گرد آمده و اجلاس فوق العاده ای تشکیل دادند. اتحاد شوروی عمل رژیم پرتوریا را شدیداً محکوم کرده هدف این سیاست تجاوزکارانه را طولانی تر کردن عمر رژیم ضد بشری آپارتاید دانست.

حتی کشورهای غرب که حامیان پروپا قرص رژیم آفریقای جنوبی به شمار می روند، تحت فشار افکار عمومی جهان ناچار شدند تجاوز جدید آفریقای جنوبی را محکوم کنند.

عبدودییوف رئیس جمهور سنگال و رئیس سازمان وحدت آفریقا اظهار داشت عملیات تجاوزکارانه اخیر رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی ماهیت واقعی این رژیم را به همه کسانی که به از میان بردن آپارتاید از طریق اصلاحات امید بسته بودند، نشان داد.

بدنبال حمله آفریقای جنوبی به هسایکاناش، اعمال فشار بر دولتها و انحصارات غربی برای قطع مبادلات اقتصادی با نژادپرستان افزایش یافته است. الیور تامیو، رئیس کنتره ملی آفریقا، ضمن محکوم کردن جنایت نژادپرستان، گفت امهریالیم آمریکا با سیاست خود در قبال اوضاع جنوب آفریقا شریک جرم رژیم پرتوریاست. وی خاطر نشان ساخت در گذشته هر بار که بدنبال یک عمل تجاوزکارانه رژیم پرتوریا در شورای امنیت سازمان ملل مسئله تحریم اقتصادی آفریقای جنوبی مطرح شد، ایالات متحده جلوی اتخاذ تصمیم واحد در این مورد را گرفت. کنت کائوندا رئیس جمهور زامبیا که در عین حال ریاست گروه کشورهای خطمقدم چببه را برعهده دارد، اظهار داشت پرتوریا در اعمال جنایتکارانه اخیر خود از حمله هوایی آمریکا به لیبی الهام گرفته است.

ناتوسلاهای شیمیایی جدید تولید می کنند

اجلاس بهاره پیمان نظامی ناتو در بروکسل تولید سلاح های شیمیایی جدید از نوع "سلاح های دوگانه" را تصویب کرد. اعضای ناتو تحت فشار آمریکا به تصمیمی پیرامون تولید این سلاح ها و انتقال آن به اروپا در "شرایط بحران" تن دادند. در سلاح های دوگانه شیمیایی، اجزا تشکیل دهنده سم در دو مخزن جداگانه نگهداری می شود.

تصمیم جدید ناتو در شرایطی اتخاذ شد که حتی برخی اعضای ناتو، یعنی هلند، دانمارک، نروژ، یونان، ایسلند و لوگزامبورگ مخالفت خود را با "سلاح های دوگانه" اعلام کرده اند. این کشورها اعلام نمودند در به اصلاح "شرایط بحرانی" نیز

اجازه انتقال این سلاح ها به خاک خود را نخواهند داد.

اتحاد شوروی اقدام جدید ناتورا محکوم کرده و از افکار عمومی جهان خواست از تلاشهای این کشور برای قطع تولید و استقرار سلاح های شیمیایی پشتیبانی به عمل آورد. دولت شوروی خاطر نشان ساخت عملی شدن تصمیم ناتو، اوضاع اروپا را بطور جدی وخیم خواهد ساخت. ولادیمیر لومینکو، سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی گفت این کشور همچنان خواهان محو کامل سلاح های شیمیایی و پایه صنعتی تولید آن ها تا سال ۲۰۰۰ است.

پیروزی بزرگ مبارزان در کردستان عراق

که بغداد و موصل را به ترکیه متصل می سازد، مستقر شده اند.

رژیم جنایتکار صدام حسین علی رغم استفاده از "گارد ریاست جمهوری" خود و واحدهای هوایی مجهز به جنگنده - بمب افکن و هلی کوپتر، نتوانسته است جلوی پیشروی نیروهای چببه دمکراتیک میهنی را بگیرد. تجهیزات به غنیمت گرفته شده توسط مبارزان کرد، برای نخستین بار شامل تانک ها، خودروها، توپ های ضد هوایی و زمین به زمین می گردد.

چببه دمکراتیک میهنی عراق بدنبال پیروزیهای اخیر خود در کردستان عراق نسبت به احتمال مداخله مجدد رژیم ترکیه برای سرکوب مبارزان کردها در داد.

به گزارش خبرگزاریها، مبارزان کرد در عراق به بزرگترین پیروزی خود در ۲۵ سال اخیر دست یافته و با استقرار در مواضع مهم مشرف به یک شاهراه حیاتی و خط لوله نفت عراق - ترکیه، در آستانه قطع ارتباط نیروهای رژیم بغداد با مناطق وسیعی در شمال این کشور قرار گرفته اند. طبق خبری که در دمشق اعلام شد نیروهای چببه دمکراتیک میهنی طی نبردهای سختی در منطقه شهر منگش در فاصله ۵۰ کیلومتری مرز ترکیه، تعداد کثیری از نیروهای عراقی را اسیر کرده و مقادیر زیادی تجهیزات به غنیمت گرفته اند. در چببه دمکراتیک میهنی (چود)، حزب کمونیست عراق، حزب دمکرات کردستان عراق، حزب سوسیالیست کردستان عراق و چند سازمان دیگر عضویت دارند. در پی این عملیات، مبارزان کرد در نزدیکی جاده استراتژیکی

در روز شنبه (۲ ماه مه، ورزشگاه عظیم "آزتک" مکزیکو سیتی شاهد گشایش جام جهانی ۱۹۸۶ فوتبال و برگزاری نخستین مسابقه میان ایتالیا قهرمان فوتبال جهان و بلغارستان خواهد بود.

در دور نهایی مسابقات قهرمانی فوتبال جهان که در مکزیک برگزار می شود، تیم های فوتبال ۲۴ کشور که در بازیهای مقدماتی رقبای خود را شکست داده اند شرکت می کنند. گروه بندی تیم های از این قرار است:

- گروه آ، ایتالیا، بلغارستان، آرژانتین، کره جنوبی
 - گروه ب، مکزیک، بلژیک، پاراگوئه، عراق
 - گروه ج، فرانسه، کانادا، اتحاد شوروی، مجارستان
 - گروه د، برزیل، اسپانیا، الجزایر، ایرلند شمالی
 - گروه ا، آلمان فدرال، اورگوئه، اسکاتلند، دانمارک
 - گروه اف، لهستان، مراکش، پرتغال، انگلیس
- از هر گروه، دوتیم اول به مرحله یک هشتم نهایی صعود خواهند کرد. مسابقه فینال، در تاریخ ۲۹ ژوئن انجام خواهد گرفت.

اخبار کوتاه

* هفته گذشته در آفریقای جنوبی ۱۴ تن دیگر طی اعتراضات گسترده توده ای در شهرک های سیاه پوست نشین بدست پلیس رژیم نژادپرست به قتل رسیدند. در کراس رودز واقع در نزدیکی کیپ تاون، یکسیورک واقع در حومه ژوهانسبورگ و چند شهرک دیگر پلیس علیه تظاهرات جوانان دست به سرکوب وحشیانه ای زد.

* حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در مصاحبه ای با روزنامه واشینگتن پست گفت تهدیدات مدارم اسرائیل و آمریکا علیه سوریه باهدف تغییر مشی این کشور صورت می پذیرد. وی ضمن محکوم کردن این تهدیدات، تاکید ورزید سوریه در برابر اعمال فشار، عقب نشینی نکرده و به مقاومت ادامه خواهد داد.

* خبرگزاری باخترا افغانستان گزارش داد در شمال غربی پاکستان به دستور رژیم نظامی اسلام آباد اردوگاه های جدیدی برای ضد انقلابیون افغانی در دست احداث است. مقامات پاکستانی اعتراضات مردم این منطقه علیه احداث کمپهای جدید را سرکوب می کنند. در مقابل این اقدام، قبایل محلی پشتون اعلام کرده اند که به مبارزه مسلحانه علیه اشرار افغانی و حامیان شان خواهند پرداخت.

* موجی از تظاهرات علیه رژیم ضیاالحق، پاکستان را فرا گرفته است. در پیشاور، شرکت کنندگان در تیک تظاهرات مردمی خواهان برقراری دمکراسی، قطع مناسبات اسارت آور با آمریکا و اخراج فوری ضد انقلابیون افغانی از مناطق مرزی پاکستان و افغانستان شدند.

* در شهر کوانگ جوی کره جنوبی، علی رغم عملیات گسترده پلیسی، تظاهرات وسیعی به یاد زدو خورد های خونینی که شش سال پیش در این شهر به وقوع پیوست و به کشته شدن ده ها تن از مردم بدست نیروهای سرکوبگر انجامید، برگزار شد.

دستگیری دیر اول و اعضای رهبری حزب کمونیست اردن

فائق ورد دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اردن و چهار تن دیگر از اعضای رهبری حزب به اتفاق جمع کثیری از دیگر میهن پرستان اردنی در این کشور بازداشت شدند. حزب کمونیست اردن طی اطلاعیه‌ای ضمن اعلام این خبر خاطر نشان ساخت این دستگیریها در ارتباط با جنبش گسترده دانشجویان اردن علیه رژیم ملک حسین در هفته‌های اخیر صورت گرفته است.

اخیرا در درگیری شدید و خونینی میان دانشجویان فلسطینی و پلیس اردن در دانشگاه بیرموک سه دانشجو که دو تن از آنان دختر

بودند، کشته شدند. تعداد زیادی از دانشجویان نیز دستگیر گردیدند.

موج دستگیری‌های جدید در اردن، بدنبال بازداشت‌های گسترده‌ای صورت می‌گیرد که در ماه‌های پیش توسط رژیم ضد مردمی ملک حسین و به منظور آماده کردن زمینه برای سازش چد اگانه با اسرائیل انجام شد. در "اکثريت" شماره ۹۸ خبری، پیرامون این بازداشت‌ها درج گردید.

سازمان‌ها، محافل و شخصیت‌های ترقیخواه جهان ضمن اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه رژیم اردن، خواهان آزادی فوری رهبران دستگیر شده حزب کمونیست اردن هستند.



امسال نیز در کشورهای مختلف جهان، صدها میلیون کارگر همبستگی شکره خویش را در گردهمایی و تظاهرات اول ماه مه به نمایش گذاشتند.

در این جشن بزرگ کارگران جهان در همه کشورها، کمونیست‌ها که پیشا پیش همه درفش رزم کارگران را برافراشته نگهداشته‌اند، تجلی بخش همبستگی انترناسیونالیستی گردانهای ملی جنبش جهانی کارگری بودند.

فداییان خلق در خارج از کشور مراسم اول ماه مه را همراه و در کنار کارگران و زحمتکشان جهان برگزار کردند. در برگزاری هر چه پرشکوهر این مراسم فداییان خلق توان خود را بکار گرفتند. در برخی از کشورها رفقای فدایی عضو فعال کمیته‌های برگزارکننده مراسم جشن‌های ماه مه بودند. در اجتماعاتی که در شهرهای مختلف جهان برگزار گردید آنان وسیعا نقش و موقعیت جنبش کارگری میهن‌مان را در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی بازتاب دادند. نشان دادند که چگونه کارگران در سنگرمقدمپیکار علیه رژیم ددمنش خمینی جای دارند.

عکسی را که مشاهده می‌کنید. مراسم روز اول ماه مه را در شهر استکهلم سوئد نشان می‌دهد که از میان مجموعه گزارشات و عکس‌های ارسالی توسط رفقای فدایی، برگزیده شده است.

جشنواره جوانان آلمان فدرال

برای صلح و همبستگی ضد امپریالیستی

صلح و همبستگی ضد امپریالیستی علیه نقشه‌های امپریالیسم آمریکا جهت مہلبیتاریزه کردن فضای کیهانی، جشنواره رزم برای "کار، آموزش و دمکراسی" بود.

از جانب سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) نیز هیاتی در جشنواره دورتموند شرکت داشت. هیات نمایندگی جوانان فدایی در جریان جشنواره با مسئولین تعدادی از هیات‌های نمایندگی شرکت‌کننده از جمله ویلموش چرونی دبیرکل فدراسیون بین‌المللی جوانان

پنجمین جشنواره جوانان آلمان فدرال در روزهای هفدهم و هجدهم ماه مه ۱۹۸۶ به ابتکار و با سازماندهی سازمان جوانان سوسیالیست کارگری آلمان فدرال و اتحادیه مارکسیستی دانشجویان - اسپارتاکوس در شهر دورتموند آلمان فدرال برگزار شد. ۱۵۰۰۰ کارگر جوان، دانش‌آموز و دانشجو در مراسم متنوع جشنواره، دورتموند شرکت کردند. همچنین صدها تن هنرمند، ورزشکار، نماینده سازمان‌های سیاسی و اجتماعی، سندیکاها و احزاب سیاسی، از جمله ۶۱ هیات نمایندگی سازمان‌های جوانان مترقی و انقلابی از ۵۰ کشور جهان در این جشنواره شرکت کردند. جشنواره دورتموند جشنواره مبارزه برای آینده‌ای روشن، برای دوستی،

بازجویی از غفلت نگهبانان زندان استفاده کرده و دست به خودکشی زده و فوت کرده است. دستگیر شدگان عمدتا از اطرافیان نبوی بوده‌اند.

نبوی در زمان دولت رجایی به عنوان سخنگوی رسمی دولت و نزدیکترین مشاور رجایی، نقش اصلی را در اداره امور دستگاه نخست‌وزیری ایفا می‌کرد.

محمدی - که مدعیند در زندان خودکشی کرده است - قبلا معاون نبوی بوده است. او مدتی نیز مسئول امور دانشجویی در سفارت جمهوری اسلامی در دهلی نو بود که بعدا عهده دار سمت کاردار را در کابل گردید. گزارشات مستقل حاکی است که قوچانلو یکی دیگر از معاونین نبوی است که در ماجراهای اخیر همراه محمدی دستگیر شده است. یکی دیگر از معاونین نبوی به نام فریدون حاجی تغییر سمت یافته و از جانب وزیر کشور با سمت استانداری به مازندران فرستاده شده است. او قبلا نیز یک مدت استانداری مازندران بود.

بر سر ماجرای انفجار دفتر نخست‌وزیری و نیز اختلاس در وزارت صنایع سنگین مدتهاست که در حکومت گروکشی می‌شود. جناح‌های مختلف حکومتی همگی دست‌های آلوده‌ای دارند. هرگاه یک جناح زیر فشار قرار می‌گیرد و احتمال بر ملا شدن پلشتی‌هایش از سوی رقبا بالا می‌رود، تهدیدکنان می‌گویند، اگر شما بگویید، ما هم می‌گوییم. تنها اشتراک در خیانت‌هاست که پرده مصلحت بر روی درگیری‌های خاد جناح‌های حکومت می‌کشد. در رابطه با باند نبوی پرده مصلحت نیز دارد دریده می‌شود. این امر شدت درگیری‌های درون حکومت را نشان می‌دهد. در پشت پرده ماجرا بسیار است.

کاشکهای درونی رژیم باشند ادامه دارد. این روزها بویژه باند بهزاد نبوی زیر فشار شدید رقبا قرار گرفته است. اکنون به باند نبوی از دو زاویه حمله می‌کنند، از زاویه نقشی که برای نبوی در ماجراهای مربوط به انفجار دفتر نخست‌وزیری در شهریور سال ۶۰ که منجر به کشته شدن رجایی و با هنر گردید فاشلند، و از زاویه اختلاس و فساد در دستگاه وزارتخانه صنایع سنگین که نبوی در رأس آن است. در وزارتخانه شان و آب دار صنایع سنگین که به تیول بهزاد نبوی تبدیل شده است اطرافیان او که از سردمداران "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" هستند، همه مقامات حساس را اشغال کرده‌اند. و این به مذاق دیگران خوش نمی‌آید.

اخبار مربوط به زیر فشار قرار داشتن باند نبوی، عمدتا در روزنامه "رسالت" که آذری قبی موسی سرپرست آن است، منتشر می‌شود. این امر به خودی خود معنی دار است. بویژه از این نظر که در همین روزها خامنه‌ای رئیس جمهور، حمایت خود را از گردانندگان روزنامه رسالت صراحتا ابراز داشته است. روزنامه رسالت نوشته است که بنا بر اطلاعات موثق اخیرا عده‌ای از کارکنان نخست‌وزیری در سال ۶۰ و افراد دیگری از نهادها و سازمانهای دیگر دستگیر شدند.

مقاله یا باند نبوی در حد دستگیریها متوقف نمانده است. تصفیه حساب‌ها اکنون اشکال خونینی به خود گرفته است که در نتیجه آن لااقل یکی از افراد این باند کشته شده است. این امر را روزنامه رسالت بدین شکل گزارش کرده است. یکی از دستگیر شدگان محمد تقی محمدی کاردار ایران در افغانستان بود که در مراحل

AKSARIYAT
NO. 108
MONDAY MAY 26, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

آشوبگری فاجعه آفرینان گابیلون
در برلین غربی
در صفحه ۱۲